

## الف - مهاجرت داخلی

بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵ معادل ۵/۲ میلیون نفر از جمعیت ۳۳/۸ میلیونی کشور را مهاجرین داخلی و خارجی تشکیل می دادند. رقم مهاجرین داخلی معادل ۵۰۴۵۱۷۹ نفر است.

۱۵/۵ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ متولد مناطقی غیر از محل سکونت خود در زمان سرشماری بوده اند. ۵/۴ درصد (۱/۸ میلیون نفر) این مهاجرین متولدین در سایر شهرستان های استان محل سکونت خود، ۹/۶ درصد (۳/۲ میلیون نفر) متولدین استان های دیگر و ۵/۵ درصد متولد خارج از کشور بوده اند.

بنابراین سرشماری ۲۷/۲ درصد جمعیت نقاط شهری در مناطقی به غیر از شهرستان محل سکونشان متولد شده اند. از این نسبت ۸/۹ درصد در سایر شهرستان های استان مربوطه، ۱۷/۴ درصد در استان های غیر محل سکونت و ۹/۹ درصد در خارج از کشور متولد شده بودند.

در مناطق روستائی ۲/۲ درصد ساکنان، در سایر شهرستان های استان مربوطه و ۲/۷ درصد در استان های دیگر کشور و ۵/۲ درصد نیز در خارج از کشور متولد شده اند (۱: شانزده)

به این ترتیب بنا به نتایج این سرشماری، حدود ۸۵ درصد از ساکنین شهرستان های مختلف در زمان سرشماری در شهرستان محل تولد خود ساکن بوده اند. این نسبت برای مردان ۸۳ درصد و برای زنان ۸۶ درصد است. به عبارت دیگر حدود ۱۷ درصد مردان و ۱۴ درصد زنان ساکن شهرستان های مختلف را مهاجرین از نقاط دیگر تشکیل می دادند. از این نسبت ها استنباط می شود که یکی از ویژگی های مهاجرت های داخلی ایران آن است که نسبت مردان مهاجر بیش از زنان مهاجر است.

۷۳ درصد ساکنین شهرها در سرشماری سال ۱۳۵۵ در همان شهر محل تولد ساکن بودند. حال آن که ۹۵ درصد از روستائیان کشور در همان محل تولد خود سکونت داشته اند. از این نسبت ها یکی دیگر از ویژگی های مهاجرت داخلی در ایران را می توان استنباط کرد که بازگویی بالا بودن مهاجر پذیری شهرها به نسبت ۲۷ درصد در مقابل ۵ درصد مهاجرپذیری روستاهاست. محتمل است که ۲۷ درصد مهاجران به شهرها را عمدتاً روستائیان تشکیل می دادند. به این ترتیب حدود ۴/۳ میلیون نفر از ساکنین نقاط شهری از مجموع ۱۵/۸۶ میلیون نفر شهرنشین ساکن در کل کشور را، مهاجران شهری از شهر به شهر یا از روستا به شهر تشکیل می دادند. در مقابل ۹۰۶ هزار نفر از ساکنان روستاهای کشور در زادگاهشان زندگی نمی کرده اند (در محلی غیر از محل تولدشان سرشماری شده اند) که به معنی مهاجرت از روستا به روستاها و در موارد نادرتر، مهاجرت از شهر به روستا است. این تعداد حدود ۵ درصد از کل جمعیت روستائی کشور و ۱۷/۳ درصد از کل مهاجرین کشور در سال ۱۳۵۵ را شامل می شود.

به عبارت دیگر در سرشماری سال ۱۳۵۵ حدود یک ششم از کل مهاجرین داخلی کشور را مهاجرین از روستا به روستا تشکیل می دادند (۱: شانزده). در جدول یک جمعیت کل کشور بر حسب محل تولد، جنس و مناطق در سال ۱۳۵۵ بازگو شده است.

درسال های بعد از انقلاب تنها آماری که در زمینه

نگرشی نو به مهاجرت داخلی در ایران (۱)

# مهاجرت روستایی

## وروند

## یک صدساله

# اخیر آن در ایران

نویسندگان: محمدجواد زاهدی مازندرانی - محمدرضا حسینی کازرونی - کریم درویشی

### مقدمه

در ادوات جامعه شناسی گسترده، همان سه مطالعه، بحث در باب مهاجرت سهم مهم دارد. سیاست های اجتماعی و برنامه ریزی های عمومی این کشورها نیز توجه به مسئله مهاجرت یکی از مشغله های مهم سیاست گذاران و برنامه ریزان به شمار می رود. در برخی از این کشورها از خشونت بارترین و قهرآمیزترین روش ها و در برخی دیگر از بردبارانه ترین و معقول ترین راه حل ها و در بسیاری نیز، از هر دو روش برای حل مسئله مهاجرت و مقابله با رشد انفجاری شهرهای مرکزی استفاده شده است. تجارت حاصل بازرگانی، طیف وسیعی از درجات متفاوت ناموفقیت های واقعی است. در هیچ کجا، خواه با روش های خشونت بار و خواه با اتخاذ سیاست های تشویقی باز دارنده، نتوانسته اند مانع از مهاجرت روستائیان به شهر شوند. حد نهائی توفیق انواع روش های مقابله با مهاجرت روستائی، به ادعاهای مربوط به کنترل کردن روند آن محدود می شود. از آنجا که از یک طرف تصور می شود که جریان مهاجرت پیامدهای سیاسی ناگواری داشته باشد و از طرف دیگر این جریان واقعاً دشواری ها و مشکلاتی جدی در اداره شهرها و خدمت رسانی به شهرنشینان به وجود می آورد و نیز با توجه به عدم توفیق راه حل ها، شرایطی به وجود آمده است که بنا به آن نوعی پدیده خاصی بر ادبیات جامعه شناسی مربوط به مهاجرت حاکم شده است و نگرانی حکومت ها از عوارض سیاسی محتمل مهاجرت، بر این پدیده دامن می زند.

در ایران مسئله مهاجرت یکی از مباحث همگانی داغ و پرمعنی است. گذشته از انواع مدعاها، گزارشات بالنسبه زیادی نیز در این باب در دست است. اما در اکثر این موارد مهاجرت بیشتر از دیدگاه سیاسی و بر اساس پیشداوریها و کم تر از دیدگاه جامعه شناسی مورد بحث قرار گرفته است، و می توان گفت که نسبت دادن صفاتی از قبیل خطرناک، بی رویه، مخرب و غیره به مهاجرت یکی از وجوه مشترک اکثر این گزارشات است. اما تفکرات قالبی در مسائل جامعه شناسی هرگز به شناخت درست مسئله و تدارک راه حل های مناسب نمی انجامد. این اعتقاد با توجه به قالبی بودن پیشداوری های مربوط به مهاجرت روستائی، یکی از دلایل مهم ارائه این مقاله است که گزیده ای از گزارش و نگرشی نو به مهاجرت داخلی در ایران از تحقیقات مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی می باشد.

در این گزارش که عمده ترین بررسی مسأله مهاجرت در سالهای اخیر است، نگارندگان سعی داشته اند با پایبندی به اسلوب و روش جامعه شناسی و احتراز از صدور احکام ارزشی و غیرقابل اثبات، مدعاهای طرح شده در گزارش را با استفاده از استدلال و ارائه آمار لازم و مدارک موجود مستند سازند.

در آخر هر مبحث منابع و مأخذ مورد استفاده آورده شده است. رجوع به این مأخذ در متن گزارش از طریق علامت پرانتز صورت گرفته که داخل آن در سمت راست شماره مأخذ در فهرست منابع و در سمت چپ بعد از دو نقطه شماره صفحه مطالب مورد نظر ذکر شده است. مشخصات کامل گزارش نیز در بخش «مأخذ شناسی مهاجرت» در همین شماره مجله آمده است.



جمعیت و مهاجرت از طریق سرشماری در دست است، بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال در مناطق شهری است. لذا عملاً فقط اطلاعات مربوط به جمعیت و وضع مهاجرت در مناطق شهری کشور در سال ۶۱ با سال ۵۵ قابل مقایسه است. براساس آمارگیری فوق ۷۳ درصد از ساکنان نقاط شهری کشور در استان محل سکونت خود متولد شده‌اند. به این ترتیب ۲۷ درصد ساکنان مناطق شهری استان‌های کشور را مهاجرین از سایر نقاط (شهر یا روستا یا خارج از کشور) تشکیل می‌دهند که با نسبت مهاجرین شهرها در سرشماری سال ۱۳۵۵ تفاوت مهمی ندارد. (۱:۳).

در سال ۱۳۵۵ حدود ۸۳ درصد جمعیت ساکن در نقاط شهری، متولد همان استان محل سکونت خود بوده‌اند. حال آن که این نسبت در سال ۶۱ به ۷۳ درصد تقلیل یافته است. ۸/۶ درصد از ساکنان شهرها در سال ۶۱ محل تولد خود را اظهار

دیگر این افراد (مهاجرین) در نقاط شهری استان محل تولد خود سکونت نداشته‌اند. این تعداد ۲۷ درصد از کل جمعیت شهرنشین در سال ۶۱ به شمار می‌آید. (۱:۳)

مقایسه ارقام فوق با ارقام سال ۵۵ بازگویی آن است که قدر مطلق مهاجرین شهری فوق در سال ۶۱ حدود ۲ برابر این رقم در سال ۵۵ است. حتی اگر رقم ۸/۶ درصد اظهار نشده را جزو جمعیت بومی شهرها به شمار آوریم نیز مطلق تعداد مهاجرین در سال ۶۱ (معادل ۲/۲ میلیون نفر) بیش از ۱/۵ برابر این رقم در سال ۵۵ است. به عبارت دیگر قدر مطلق تعداد مهاجرین به نقاط شهری (به اعتبار مذکور در فوق) در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۲/۹ میلیون نفر و در سال ۶۱ با احتساب ۸/۶ درصد اظهار نشده ۶/۲ میلیون نفر و بدون احتساب ۲/۲ میلیون نفر است.

منتها نکته مهم آن است که به احتمال زیاد در

میلیون نفر باشد. این رقم نزدیک به رقمی است که مرکز آمار ایران برای مناطق شهری کشور در سال ۱۳۶۱ برآورد کرده بود. (۲۰/۵ میلیون نفر) (۴۳:۵) به این ترتیب جای شکی نیست که آمارگیری نیروی انسانی و اشتغال سال ۱۳۶۱ (بیشتر به دلیل مخدوش بودن محدوده‌ی شهرها) زیاده شماری دارد. در ۱۰ ساله میان دو سرشماری ۲۵ و ۵۵ بنا به آمار، رشد طبیعی سالانه جمعیت نقاط شهری کشور ۲/۹۹ درصد و رشد سالانه مهاجرت خالص معادل ۱/۹ درصد بود. به عبارت دیگر ۶۱ درصد از میزان افزایش جمعیت شهرها در طی این مدت بر اثر افزایش طبیعی جمعیت و ۳۹ درصد بر اثر مهاجرت خالص (از شهرهای دیگر یا از نقاط روستائی به شهرها) بوده است. (۷۸:۴) اگر جمعیت نقاط شهری در سال ۱۳۶۱ را بنا به برآورد گزارش حاضر معادل ۲۰/۹ میلیون نفر حساب کنیم، در فاصله ۶ ساله ۵۵ تا ۶۱ حدود ۵/۱ میلیون نفر به جمعیت نقاط شهری

جدول شماره ۱ جمعیت کل کشور برحسب محل تولد، جنس و مناطق در سال ۱۳۵۵

محل تولد و جنس	کل کشور		مناطق شهری		مناطق روستائی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل جمعیت:	۳۳۷۰۸۷۲۲	۱۰۰/۰	۱۵۸۵۲۶۸۰	۱۰۰/۰	۱۷۸۵۲۰۶۲	۱۰۰/۰
مرد و زن						
مرد	۱۷۳۵۶۳۲۷	۱۰۰/۰	۸۲۹۱۴۵۱	۱۰۰/۰	۹۰۶۴۸۹۶	۱۰۰/۰
زن	۱۶۳۵۲۳۹۷	۱۰۰/۰	۷۵۶۳۲۲۹	۱۰۰/۰	۸۷۸۷۱۶۸	۱۰۰/۰
متولدين در شهرستان محل اقامت در زمان سرشماری						
مرد و زن	۲۸۴۸۳۹۵۴	۸۴/۵	۱۱۵۳۶۲۵۳	۷۲/۸	۱۶۹۴۷۷۰۱	۹۴/۹
مرد	۱۴۲۷۰۹۷۶	۸۳/۴	۵۹۰۶۱۱۳	۷۱/۲	۸۵۶۴۸۶۳	۹۲/۵
زن	۱۴۰۱۲۹۷۸	۸۵/۷	۵۶۳۰۱۴۰	۷۴/۴	۸۳۸۲۸۳۸	۹۵/۴
متولدين در شهرستان‌های دیگر استان مربوطه						
مرد و زن	۱۸۰۰۸۵۳	۵/۴	۱۴۰۹۲۲۱	۸/۹	۳۹۱۶۳۲	۲/۲
مرد	۹۵۳۰۰/۶	۵/۵	۷۵۰۹۴۱	۹/۱	۲۰۲۱۵۵	۲/۲
زن	۸۴۷۷۵۷	۵/۲	۶۵۸۲۸۰	۸/۷	۱۸۹۴۷۷	۲/۲
متولدين استان‌های دیگر						
مرد و زن	۳۲۴۵۰۲۶	۹/۶	۲۷۵۷۶۰۰	۱۷/۴	۴۸۷۴۲۶	۲/۷
مرد	۱۸۳۴۹۳۳	۱۰/۶	۱۵۵۴۳۹۳	۱۸/۷	۲۸۰۵۴۰	۳/۸
متولدين خارج از کشور						
مرد و زن	۱۷۸۹۱۱	۰/۵	۱۵۱۶۰۶	۰/۹	۲۷۳۰۵	۰/۲
مرد	۹۷۳۲۲	۰/۵	۸۰۰۰۴	۱/۰	۱۷۳۳۸	۰/۲
زن	۸۱۵۶۹	۰/۵	۷۱۶۰۲	۱/۰	۹۹۶۷	۰/۱

مأخذ: (۱) شانزده

**\* طی دوران برنامه دوم عمرانی ۴۹ درصد از بودجه به احداث صنایع و تأسیسات زیربنایی اختصاص یافت و لزوم تامین نیروی کار برای اجرای این امور، مهاجرت روستایی را به بیش از ۱۰ برابر دوره قبل افزایش داد.**

**\* تأسیس شرکتهای سهامی زراعی در پاره‌تی از مناطق روستایی با آزاد ساختن بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی مازاد کشاورزی این مناطق، در زمینه افزایش نرخ مهاجرت در حوزه عمل این شرکتهای موثر بوده است.**

کشور افزوده شده است. از این تعداد ۳/۱ میلیون نفر حاصل افزایش طبیعی جمعیت (موالید منهای مرگ و میر) و حدود ۲ میلیون نفر بر اثر مهاجرت خالص داخلی است. به این ترتیب در سال ۶۱ حدود ۶۰ درصد افزایش جمعیت نقاط شهری کشور بر اثر افزایش طبیعی جمعیت و ۴۰ درصد آن بر اثر مهاجرت خالص بوده است. مقایسه این نسبت‌ها با نسبت‌های حاصل از سرشماری‌های سال‌های ۲۵ و ۵۵ بازگویی آن است که نسبت مهاجرین در دو دوره قبل (۲۵ تا ۵۵) و بعد از انقلاب (۵۵ تا ۶۱) تقریباً تغییر نکرده است. همگونی این نسبت‌ها، بیش از هر چیز بازگویی ارتباط پدیده مهاجرت با افزایش میزان جمعیت یعنی رشد طبیعی جمعیت است. به عبارت دیگر این یکسانی ارقام، در دو دوره‌تی که از لحاظ بافت و مناسبات سیاسی و اقتصادی کم و بیش متفاوت هستند (قبل و بعد از انقلاب) نشان می‌دهد که مهاجرت داخلی ایران بیش از هر چیز نوعی مکانیسم متعادل کننده میان میزان جمعیت و

آمارگیری سال ۱۳۶۱ محدوده شهرها با محدوده شهر بنا به تعاریف مورد عمل مرکز آمار ایران یکسان نیست. با احتساب رشد طبیعی جمعیت (۲/۹۹ درصد سالانه) در نقاط شهری، جمعیت نقاط شهری در سال ۱۳۶۱ می‌بایست به ۱۸/۹ میلیون نفر می‌رسید. یعنی مطلق افزایش طبیعی جمعیت طی ۶ سال (۵۵ تا ۶۱) می‌بایست رقمی در حدود ۳/۱ میلیون نفر بوده باشد.

در گزارش مهاجرت و شهرنشینی در ایران، رقم خالص مهاجرین داخلی طی همین دوره ۶ ساله ۲/۹ میلیون نفر ذکر شده است. (۷۹:۴) اگر رقم مهاجرین جنگی (آوارگان جنگ حدود ۹۰۰ هزار نفر) (۴۵:۵) را از رقم مهاجرین مذکور در این گزارش (۲/۹ میلیون نفر) کسر کنیم رقم خالص مهاجرین داخلی به حدود ۲ میلیون نفر تنزل می‌کند. (۱)

بنابراین محاسبات، مجموع جمعیت نقاط شهری کشور در سال ۱۳۶۱ می‌بایست حدود ۲۰/۹

نکرده‌اند. اگر این نسبت نامشخص جزو متولدين استان محل سکونت محسوب شود نسبت مهاجرین به شهرها در دو مقطع آمارگیری (۵۵ و ۶۱) یکسان است. اما اگر این افراد (کسانی که محل تولدشان را اظهار نکرده‌اند) مهاجرین به شهرها تلقی شوند، درصد مهاجرین به شهرها در سال ۶۱ نسبت به سال ۵۵ حدود ۸/۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. که البته دلیل محکمی برای پذیرش هیچ یک از دو فرض فوق در دست نیست.

از رقم مهاجرین شهری شهرهای داخل هر استان در سطح کل کشور اطلاعاتی در دست نیست. اطلاعات موجود بازگویی مهاجرت به شهرهای استان‌های مختلف به غیر از استان محل سکونت و بازگویی تعداد مهاجرین شهرستان (مهاجرین شهری و روستائی) است. بنا به این اطلاعات در سال ۱۳۶۱ جمعاً ۶/۲ میلیون نفر (با احتساب رقم ۸/۶ درصد اظهار نشده) را مهاجرین به نقاط شهری استان‌های مختلف تشکیل می‌دهند. به عبارت



امکانات حیاتی و اقتصادی از قبیل آب و زمین موجود برای زیست این جمعیت (به ویژه در مناطق روستائی) است.

حسی قدر مطلق تعداد مهاجرین در دوره بعد از انقلاب نیز نسبت به دوره قبل از آن کاهش نشان می دهد. به عبارت دیگر در حالی که در فاصله سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ سالانه به طور متوسط ۳۷۳ هزار نفر از مناطق روستائی مهاجرت می کردند در فاصله سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ این رقم به ۳۶۴ هزار نفر (۹ هزار نفر کم تر) کاهش یافته است.

(رک. به: جدول شماره ۲. در بخش روند مهاجرت روستائی در یک قرن اخیر).

بنا به آمار رسمی در فاصله سال های ۴۵ تا ۵۵ متوسط سالانه تعداد مهاجران داخلی، حدود ۳۰ درصد متوسط قدر مطلق جمعیت افزوده شده به کل جمعیت کشور (معادل رشد طبیعی جمعیت) بوده است. حال آن که در فاصله سال های ۱۳۵۵ تا

نقاط شهری و ۳/۸ میلیون نفر (۵۰ درصد) در نقاط روستائی و ۱/۹ میلیون نفر (۲۵ درصد) در نقاط عشائری (به صورت متحرک و چادر نشین) زندگی می کردند. به عبارت دیگر در این سال ۲۵ درصد از کل جمعیت ایران در نقاط روستائی و عشائری سکونت داشتند. (۱۷:۱)

در سال ۱۳۰۰ جمعیت کل کشور حدود ۹/۷ میلیون نفر بود. با محاسبه میزان رشد سالانه ۶ در هزار (۹:۲۱) در فاصله ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۰، و با فرض نرخ رشد طبیعی ثابت برای جمعیت شهر و روستا، جمعیت شهری در سال ۱۳۰۰ حدود ۲/۷ میلیون نفر (۲۸ درصد) و جمعیت روستائی و عشائری ۷ میلیون نفر (۷۲ درصد) برآورد می شود.

در سال ۱۳۲۰ براساس رشد سالانه ۱۲ در هزار (۹:۲۱) از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ و نیز با فرض ثابت بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت شهری و روستائی جمعیت کل کشور به حدود ۱۲/۸ میلیون نفر و جمعیت

بنا به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۲۵ از ۲۵/۷ میلیون نفر جمعیت ساکن در کشور ۹/۸ میلیون نفر (۳۸/۱ درصد) در نقاط شهری و ۱۵/۲ میلیون نفر (۵۹/۲ درصد) در نقاط روستائی و ۷۱۰ هزار نفر (۲/۷ درصد) به عنوان جمعیت عشائری (متحرک و چادر نشین) سرشماری شدند. به این ترتیب در این سال جمعاً ۶۱/۹ درصد از جمعیت به عنوان روستائی و عشائری منظور شده است. (۱۷:۱)

بنا به برآورد در سال ۱۳۵۰ از کل ۲۹/۴ میلیون نفر جمعیت کشور ۱۲/۳ میلیون نفر (۴۱/۸ درصد) در نقاط شهری و ۱۷/۱ میلیون نفر (۵۸/۲ درصد) در نقاط روستائی سکونت داشتند. (۳۷:۱۰)

در سال ۱۳۵۳ در آستانه افزایش قیمت نفت بنا به برآورد از ۳۱/۹ میلیون نفر کل جمعیت ایران ۱۴/۳ میلیون نفر (۴۴/۸ درصد) در نقاط شهری و

جدول شماره ۲ - تعداد جمعیت مناطق شهری و روستائی، نرخ مهاجرت سالانه، تعداد مهاجران و متوسط جمعیت نقاط جدید شهری (دهات بیش از ۵۰ هزار نفر) در

یکسال از سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۶۱

سال (خورشیدی)	تعداد جمعیت (واحد: هزار نفر)			نرخ مهاجرت سالانه		درصد جمعیت			متوسط تعداد مهاجران در یکسال پس از کسر متوسط جمعیت نقاط جدید شهری (دهات بیش از ۵ هزار نفر) در یکسال جدید شهری در یکسال
	شهری	روستائی	شهری روستائی	شهری (۱)	روستائی (۲)	شهری روستائی	روستائی	شهری	
۱۲۶۰	۱۹۶۴	۵۶۹۰	۷۶۵۴	-	-	۱۰۰/۰	۷۵/۰	۲۵/۰	-
۱۳۰۰	۲۷۱۸	۶۹۸۹	۹۷۰۷	۰/۸	۰/۲	۱۰۰/۰	۷۲	۲۸	-
۱۳۲۰	۳۸۵۰	۸۹۸۳	۱۲۸۳۳	۰/۱۴	۰/۳	۱۰۰/۰	۷۰	۳۰	-
۱۳۳۵	۵۹۵۴	۱۳۰۰۱	۱۸۹۵۵	۰/۱	۰/۳	۱۰۰/۰	۶۸/۸	۳۱/۲	-
۱۳۴۱	۸۰۴۸	۱۲۶۴۱	۲۲۶۸۹	۱/۰۵	۱/۹	۱۰۰/۰	۶۴/۶	۳۵/۴	۱۳۵۰۰
۱۳۴۵	۹۷۹۲	۱۵۹۹۵	۲۵۷۸۹	۱/۰	۱/۶	۱۰۰/۰	۶۱/۹	۳۸/۱	۱۲۰۵۰۰
۱۳۵۰	۱۲۳۶۹	۱۷۱۳۰	۲۹۴۹۹	۱/۴	۱/۹	۱۰۰/۰	۵۸/۲	۴۱/۸	۱۷۸۰۰۰
۱۳۵۳	۱۴۲۷۱	۱۷۶۳۷	۳۱۹۰۸	۱/۷	۲/۱	۱۰۰/۰	۵۵/۲	۴۴/۸	۲۲۳۰۰۰
۱۳۵۷	۱۷۲۳۲	۱۸۲۰۳	۳۵۶۳۷	۲/۰	۲/۱	۱۰۰/۰	۵۱/۱	۴۸/۹	۲۴۱۰۰۰
۱۳۵۸	۱۸۲۶۹	۱۸۳۸۲	۳۶۶۵۱	۱/۸	۱/۹	۱۰۰/۰	۵۰/۰	۵۰/۰	۳۰۸۰۰۰
۱۳۵۹	۱۹۱۵۸	۱۸۵۴۲	۳۷۷۰۰	۱/۹	۱/۹	۱۰۰/۰	۲۹/۲	۵۰/۸	۳۳۲۰۰۰
۱۳۶۰	۲۰۰۸۶	۱۸۶۹۹	۳۸۷۸۵	۲/۰	۱/۹	۱۰۰/۰	۴۸/۲	۵۱/۸	۳۲۵۰۰۰
۱۳۶۱	۲۱۰۳۵	۱۸۸۷۲	۳۹۹۰۷	۲/۰	۱/۸	۱۰۰/۰	۴۷/۳	۵۲/۷	۳۳۸۰۰۰
دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱	۲۱۰۳۵	۱۸۸۷۲	۳۹۹۰۷	۱/۹	۱/۷	۱۰۰/۰	۴۷/۳	۵۲/۷	۳۳۲۰۰۰

(۱) - نسبت مهاجران شهری به کل جمعیت شهری در یکسال

(۲) - نسبت مهاجران روستائی به کل جمعیت روستائی در یکسال

رتال جامع علوم انسانی

۱۷/۶ میلیون نفر (۵۵/۲ درصد) در نقاط روستائی سکونت داشتند. (۳۷:۱۰)

بنا به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ از مجموع ۳۲/۷ میلیون نفر جمعیت کل کشور ۱۵/۸ میلیون نفر (۴۷ درصد) در نقاط شهری و ۱۷/۹ میلیون نفر (۵۳ درصد) در نقاط روستائی (شامل ۳۴۸ هزار نفر به عنوان جمعیت عشائری و متحرک) سرشماری شدند. (۴: سیزده و چهارده) در سال ۱۳۵۸، بعد از انقلاب اسلامی، بنا به برآورد از کل ۳۶/۶ میلیون نفر جمعیت کشور ۱۸/۳ میلیون نفر (۵۰ درصد) در نقاط شهری و ۱۸/۳ میلیون نفر در نقاط روستائی سکونت داشتند. (۱۱: ۱۷۹)

در سال ۱۳۶۱ بنا به برآورد از مجموع ۳۹/۹ میلیون نفر ساکنان کشور ۲۱ میلیون نفر (۵۲/۷ درصد) در نقاط شهری و ۱۸/۹ میلیون نفر (۴۷/۳ درصد) در نقاط روستائی سکونت داشتند. (۱۱: ۱۷۹)

شهرت نشین ۳/۸ میلیون نفر (۳۰ درصد) و جمعیت روستائی و عشائری ۹ میلیون نفر (۷۰ درصد) برآورد می گردد.

در سال ۱۳۳۵ بنا به سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل جمعیت کشور ۱۸/۹ میلیون نفر اعلام شده است. از این تعداد ۵/۹ میلیون نفر (۳۱/۲ درصد) در مناطق شهری و ۱۲/۸ میلیون نفر (۶۷/۷ درصد) در مناطق روستائی و ۲۲۲ هزار نفر (۱/۱ درصد) در مناطق عشائری (به عنوان جمعیت عشائری) زندگی می کردند. به این ترتیب در سال ۱۳۳۵ بالغ بر ۶۸/۶ درصد از جمعیت کشور در نقاط غیر شهری (روستائی و عشائری) سکونت داشتند. (۱۷:۱)

در آغاز اصلاحات ارضی سال ۴۱ بنا به برآورد از کل ۲۲/۶ میلیون نفر جمعیت ساکن در کشور حدود ۸ میلیون نفر (۳۵/۴ درصد) در نقاط شهری و ۱۴/۶ میلیون نفر (۶۴/۶ درصد) در نقاط روستائی سکونت داشتند. (۱۷:۱)

۱۳۶۱ این نسبت به ۲۸ درصد کاهش یافته است. یعنی درصد مهاجرین داخلی به حجم افزایش سالانه جمعیت در دوره بعد از انقلاب به نسبت قبل از انقلاب کاهش یافته است. به سخن دیگر، به خلاف تصور عمومی در باب افزایش میزان مهاجرت در دوره بعد از انقلاب عملاً چنین نبوده و نسبت مهاجرین حتی کاهش نیز یافته است (از ۳۰ درصد به ۲۸ درصد). البته این کاهش نه به معنی پرشدن شکاف میان شهر و روستا و کاهش عملکرد نیروهای دافعه دهات، بلکه ناشی از کاهش نسبی جاذبه های شهری در نتیجه مسائل ناشی از انقلاب و کاهش امکانات و فرصت های اشتغال در بخش های صنعت و ساختمان است.

ب - روند مهاجرت روستائی در یک قرن اخیر در ایران

در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی از ۷/۶ میلیون نفر جمعیت ایران ۱/۹ میلیون نفر (۲۵ درصد) در



به این ترتیب در فاصله یک قرن میان ۱۷۶۰ تا ۱۳۶۱ جمعیت روستائی کشور ۳/۳ برابر شده حال آن که در همین مدت جمعیت شهرنشین کشور حدود ۱۱ برابر شده است. یازده برابر شدن جمعیت شهرنشین کشور در دوره زمانی فوق تحت تاثیر سه دسته عوامل صورت گرفته است که مشتمل اند بر:

- افزایش طبیعی جمعیت شهرها و گسترش شهرها.  
- مهاجرت از نقاط روستائی به شهرها.  
- تغییر تقسیمات کشوری و تبدیل حوزه های روستائی به شهر.

عواملی از قبیل افزایش بهداشت، کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر، توسعه محدوده شهری، ادغام روستاهای حاشیه‌نی در متن شهر و مهاجرت اتباع بیگانه به مراکز شهری به طور کلی از زمره گروه عوامل مثبت مربوط به رشد طبیعی جمعیت، و مهاجرت شهرنشینان به خارج از کشور یا مهاجرت معکوس از شهر به روستاها و نواحی حومه شهر از زمره عوامل منفی مربوط به رشد طبیعی جمعیت شهرها محسوب می شود.

در طول یک قرن مورد بررسی (از ۱۲۶۰ تا ۱۳۶۱) کشور ایران شاهد حوادث و تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مهمی بوده است. در آغاز دوره مورد بررسی که به یک معنا آغاز آشنائی ایران با تمدن اروپائی معاصر است، فقط ۲۵ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می کردند. مهم ترین منبع ثروت کشور در آن سال ها زمین های زراعتی و محصولات کشاورزی بود. ۷۵ درصد از جمعیت کشور در روستاها که مراکز اصلی تولید کشاورزی به شمار می رفت زندگی می کردند. بسیاری از این روستاها جزو املاک خالصه، دیوانی، تیول و املاک بزرگ مالکی بود و جز در مورد کاهات خرده مالکی، زارعین آزادی عمل چندانی در مورد ترک روستاها به اختیار خود و کار

و سکونت در نقاط دیگر نداشتند.

نضج سرمایه داری (به ویژه در بخش تجاری) در سال های آغاز قرن هجری شمسی اخیر، عدم رضایت عامه از حکومت استبدادی، آشنائی با اشکال رایج حکومت پارلمانی در اروپا، خواست تغییر رژیم را در داخل کشور قوت بخشیده و سرانجام در سال ۱۲۸۴ کار را به انقلاب مشروطیت کشاند. این انقلاب که بیشتر منشاء شهری داشت و کارگزارانش عموماً از زمره تجار و بازرگانان و وابستگان به آنها بودند، سرآغاز توسعه شهرنیشینی و رواج مدرنیسم، هم در بعد اقتصادی و هم در بعد سیاسی و اجتماعی آن، در ایران به شمار می آید. به طوری که «اعطای مشروطیت را میتوان علامت ظاهری انحلال راه و رسم کهن دانست» (۲۸۵:۷).

سال های بعد از انقلاب مشروطیت، رشد صنایع شهری (ابتدا مانوفاکتور ها و سپس صنعت نوین) وجود بازار کار در کشورهای خارجی همسایه، فراهم بودن امکانات اشتغال در صنایع نوپای کشور روسیه تزاری و نیز تحدید نسبی حقوق اربابان صاحب زمین از طریق وضع قوانین، موجب آغاز روند مهاجرت از روستا (به شهر یا خارج از کشور) شد. از این دوره به بعد متناسب با درجه رشد سرمایه داری در ایران، نرخ مهاجرت از روستا نیز به طور پیوسته افزایش می یابد. به طور کلی در ایران سرمایه داری در شرایط بسیار پیچیده و مشکل توسعه پیدا کرد و عرضه نیروی انسانی به مراتب پس افتاده تر از تقاضا برای آن بود. در اوائل قرن بیستم، بخشی از روستائیان عموماً فقیر به صورت معمول در روستاها کاری پیدا نمی کردند و در جست و جوی کار به شهرها روی می آوردند. در آن زمان تقاضا برای کار در زمینه صنعت نفت در جنوب، صنعت ماهیگری در سواحل دریای خزر و فعالیت های ساختمانی در جاده ها، پل ها و کارهای مربوط به آبیاری بود (۸: -) در منابع و مآخذ موجود.

شواهد و مدارک زیادی دال بر مهاجرت وسیع روستائیان به شهرها و خارج از کشور در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم وجود دارد. بنا به این مدارک، توسعه سریع سرمایه داری در روسیه که سپاه عظیمی از کارگران ارزان را می طلبید موجب مهاجرت ده ها هزار روستائی (۸: ۲۳) از ایالات شمال ایران که از نواحی پر جمعیت کشور محسوب می شد، به نقاط مختلف امپراطوری روسیه شد. جریان مهاجرت به خارج از کشور نه فقط در نواحی شمالی ایران بلکه در جنوب کشور نیز به طور قابل ملاحظه‌نی رشد یافت. روستائیان نواحی جنوب و جنوب شرقی در جست و جوی کار و نیز در نتیجه فشار و تعدی مالکین، به سوی کراچی، مسقط و حتی زنگبار مهاجرت می کردند. وانگهی مدارکی دال بر مهاجرت های گسترده ایرانیان در این سال ها به هندوستان و ترکیه نیز در دست است.

به طور کلی مهاجرت روستائیان و حتی شهرنشینان به خارج از کشور از زمان ناصرالدین شاه مشهود است. بسیاری از اذربایجانی ها و گیلانی ها به سوی بادکوبه و اطراف مهاجرت کردند. مهاجرت اصفهانی ها به سوی شهرهای دیگر ایران یا کشورهای خارج، مانند عثمانی و هندوستان و مصر، یکی از شواهد اقتصادی این دوره است. (اصغر مهدوی زیرنویس صفحه ۱۹ مآخذ ۸)

علاوه بر جریان مهاجرت خارجی، مهاجرت داخلی از نقاط روستائی به شهرها و نقاط جاذب جمعیت نیز روز به روز توسعه بیشتری می یافت. تاریخچه ایجاد شرکت انحصاری نفت انگلیس در جنوب نشان می دهد که ساکنان این ناحیه و تا حدودی جمعیت ایلی، منبع اصلی نیروی کار بدون مهارت در صنعت نفت را تشکیل می دادند. کاظم افشین مؤلف کتاب «نفت و خوزستان» می نویسد که حتی برخی از روستائیان که به باغداری اشتغال داشتند کشاورزی را رها کردند و برای کار به بنگاه

**\* طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ با افزایش چشمگیر درآمد نفت و سرازیر شدن درآمد اضافی به بخشهای شهری، نرخ مهاجرت**

روستایی به طور جهشی به رقم ۲ درصد رسید که در تاریخ صد ساله مهاجرت در ایران بی سابقه است.

**\* روند مهاجرت روستایی در ایران، تا زمانی که جمعیت ساکن روستاها با توجه**

به سطح تولید کشاورزی به تعادلی مناسب دست نیابد، ادامه

خواهد یافت.





اقتصادی انگلیس روی آوردند. «در روستاهای اطراف اصفهان درصد زیادی از روستائیان بدون زمین بودند و این روستاها نیروی غیر ماهر صنعت نفت جنوب را عرضه می کردند... طبق یک سند بیشتر از ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت متعلق به ناحیه اصفهان بودند.» توجه به این نکته ضروری است که اکثریت کارمندان پیرنمای خود را با روستاها قطع نمی کردند. «قاعده این بود که خانواده گارگران در روستا می ماند و اعضای خانواده تا حدی رابطه خود را با کشت و زرع حفظ می کردند... وانگهی باید متوجه بود که اشتغال بخشی از نیروی کار در صنعت (مثل صنایع قند و ماهیگیری) جنبه فصلی داشت.» (۸: ۱۸ و ۱۹).

«در اسناد کلنل کاساکوفسکی یادداشتی درباره کردها وجود دارد که برخی از کردهای قبیله کاکاوند که در اطراف زنجان زندگی می کنند برای کار به گیلان، ترکستان، هرات، مرو، بخارا و سمرقند می رفتند. ایالات شمال حتی مردمان فقیر را از سیستان به خود جلب می کرد. به عنوان مثال «میلر» معاون کنسول روس در سیستان گزارش می کند که ساکنان روستاتی سی کوه با نواحی دریای خزر در ارتباط اند و هر سال ده تا پانزده هزار نفر برای کار در تعمیرات راه آهن به مرو و عشق آباد می روند.» (۸: ۲۴).

برآوردهای تخمینی مربوط به مقایسه رشد جمعیت کل کشور و افزایش جمعیت مناطق شهری و روستایی از آغاز دوره زمانی مورد بررسی (۱۲۶۰ تا ۱۳۶۱) بازگویی آن است که در ابتدا روند مهاجرت کند و نرخ مهاجرت پائین و تعداد روستاهای مهاجر فرست، به دلیل غلبه روابط ارباب رعیتی و بسته بودن اقتصاد و اجتماع ده، محدود بود. منتها با افزایش تدریجی درجه ارتباط اقتصادی روستاها با شهر، گسترش ارتباطات، احداث راه و جاده و بهبود وسائل حمل و نقل و وسائل ارتباط جمعی، در کنار انکشاف اقتصاد صنعتی و خدماتی در شهرها، روند مهاجرت روستایی به تدریج شدید تر شده و نرخ مهاجرت روستایی به تدریج افزایش یافت.

به این ترتیب پویای مهاجرت روستایی در ایران به صورت دائمی و مداوم از صد سال پیش تاکنون به طور چشمگیری پیوسته تشدید شده است. بنا به برآورد در سال ۱۳۰۰ نسبت جمعیت شهرنشین در کل کشور به ۲۸ درصد بالغ شد که در مقایسه با نسبت شهرنشینان در سال ۱۲۶۰ (در یک فاصله ۴۰ ساله) ۳ درصد افزایش نشان می دهد. اگر متوسط رشد جمعیت کشور در دوره فوق الذکر را به عنوان رشد طبیعی جمعیت شهرها منظور کنیم، با توجه به ثابت بودن حدود تقسیمات کشوری ۲۴۰ هزار نفر از جمعیت شهرنشین سال ۱۳۰۰ را مهاجرین (عموما مهاجرین روستا به شهر) تشکیل می دهند که جمعا فقط ۸/۸ درصد از کل جمعیت شهرنشین کشور در این سال به شمار می آیند.

بنا به تخمین نرخ مهاجرت (۲) روستایی در این دوره سالانه ۰/۰۸ درصد برآورد می شود. به عبارت دیگر در این دوره به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت روستایی حدود ۸ نفر مهاجر روستایی وجود داشته است. و هر ساله به طور متوسط ۶ هزار نفر از روستاها (عموما به شهرها) مهاجرت می کردند. مهاجران روستایی این دوره سالانه ۰/۲ درصد جمعیت شهری این دوره بودند.

در دوره دوم یعنی در فاصله سال ۱۳۰۰ تا

۱۳۲۰ از طریق دخالت مستقیم دولت کوشش هائی برای توسعه صنعت در ایران انجام شد. صنعت نفت زیر نظارت و بهره برداری مستقیم انگلیسی ها حدود ۱۰ هزار نفر مهاجر روستایی را در جنوب کشور جذب کرده بود. بخش تجاری، از طریق گسترش ارتباطات بازرگانی خارجی (به ویژه با کشور آلمان) و نیز توسعه بازار مصرف شهرها، سهم قابل ملاحظه‌ئی را در اقتصاد شهری به دست آورد. توسعه شهرها، ساختمان راه های توسعه و احداث راه آهن، گسترش صنایع و احداث کارخانه ها (۲) و افزایش فعالیت های ساختمانی به اعتبار رشد شهرنشینی و گسترش شهرها از مهم ترین عوامل جاذبه شهری در این دوره به شمار می آید.

روستائیان و عشایر مهاجر که در جست و جوی کار به سوی نقاط شهری هجوم می آوردند هسته

**سال های دهه ۱۳۵۰ دوره**  
**اوج مهاجرت روستایی و هجوم**  
**مهاجران به شهرهای بزرگ به**  
**شمار می آید.**

**در فاصله سالهای ۱۳۵۷**  
**تا ۱۳۶۱ سالانه به طور متوسط**  
**۳۶۴ هزار نفر از مناطق روستایی**  
**مهاجرت کرده اند. در حالیکه این**  
**رقم در فاصله سالهای ۱۳۵۳-۵۷**  
**به طور متوسط ۲۷۳ هزار نفر بوده**  
**است.**

های اولیه طبقه کارگر شهری و نیز بخشی از جمعیت شهرنشین را تشکیل می دادند. این مهاجرین با توجه به رشد طبیعی بالنسبه نازل جمعیت در این دوره (۱/۴ درصد) مهم ترین عامل توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها در دوره مذکور به شمار می آیند.

سیاست اسکان اجباری عشایر که از سال ۱۳۰۸ در برنامه دولت قرار گرفت از زمره مواردی است که اثرات مهمی بر چگونگی استقرار جمعیت و توزیع دهات و نیز امنیت روستاها باقی گذاشت. اما از آنجا که اجرای این سیاست موجب مرگ و میر تعداد زیادی از دام های عشایر شد، می توان نتیجه گرفت که سیاست اسکان اجباری عشایر موجب کاهش تولیدات دامی شده و احتمالا نرخ مهاجرت را میان عشایر اسکان یافته افزایش داد. شکی نیست که در دوره فوق تعداد جمعیت روستایی با توجه به تعداد دهات و نوع تکنولوژی تولید (تکنولوژی سنتی = کارپر) هیچگونه فشار جمعیتی برای خروج نیروی کار از دهات وارد نمی ساخت و حتی شکل بهره برداری کشاورزی یعنی نظام بهره برداری خانوادگی در چارچوب مناسبات ارباب رعیتی موجب به کارگیری همه نیروی انسانی موجود در خانوارهای بهره بردار کشاورزی می شد. از لحاظ تقسیمات کشوری، در این دوره تحول مهمی روی داد. تا قبل از سال ۱۳۱۶ کشور از لحاظ تقسیمات به چهار ایالات

(استان): آذربایجان، خراسان، فارس و کرمان و بیش از ۳۰ ولایت تقسیم می شد. اما بنا به قانون تقسیمات کشوری مصوب شانزدهم آبان ماه ۱۳۱۶ کشور ایران به شش استان و پنجاه شهرستان تقسیم شد. محتملا بنا به این تقسیمات تعداد نقاط شهری در ایران افزایش یافته و این خود از عوامل مؤثر در افزایش نسبت شهرنشینی طی این دوره باشد. در این دوره اقدامات مهمی در زمینه اجرای سیاست متمرکز کردن امور کشور و ایجاد امنیت انجام شد. مبارزه با سران عشایر، تار و مار کردن دستجات مسلح خان ها و اسکان اجباری عشایر از جمله مواردی بود که امنیت اجتماعی در شهرها و روستاها را به میزان قابل ملاحظه‌ئی بالا برد. به دلیل افزایش جاذبه های شهری و نضج سرمایه داری، نرخ مهاجرت روستایی در این دوره نسبت به دوره قبل تقریبا دو برابر شد. بنا به محاسبه، نرخ مهاجرت روستایی این دوره سالانه (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰) ۰/۱۴ درصد برآورد شده است. در این دوره هر ساله به طور متوسط ۱۲۳۰۰۰ نفر از روستا مهاجرت می کردند که بیش از دو برابر متوسط تعداد مهاجران روستایی سالانه در دوره قبل است. در این دوره ۲۲۶ هزار نفر از طریق مهاجرت به جمعیت شهرها افزوده شد. مهاجران روستایی این دوره سالانه ۰/۳ درصد جمعیت شهرنشین کشور را تشکیل می داده اند.

در دوره بعد یعنی در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ که سال های جنگ جهانی دوم و عوارض ناشی از آن بود، مهاجرت روستایی و در نتیجه رشد شهرنشینی در ایران افزایش و شدت چشمگیری پیدا کرد. مهم ترین ویژگی سیاسی این دوره توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا در ایران و تحکیم و تثبیت آن است. در ثلث اول این دوره (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵) ایلات و عشایر از نو قدرت گرفتند و حکومت مرکزی مجددا تضعیف شد و ظهور جنبش های وابسته به شوروی به ویژه در آذربایجان و کردستان بهران های سیاسی و در نتیجه مشکلات اقتصادی فراوانی را موجب شد. محتمل است که این شرایط نقل و انتقالات (تحریک مکانی) جمعیت را شدت بخشیده باشد. یکی دیگر از دلایل افزایش نرخ مهاجر افزایش درآمد نفت از ۴ میلیون لیره استرلینگ در سال ۱۳۲۰ به ۷/۸ میلیون لیره استرلینگ در ۱۳۲۵ است. (۱: ۱۶۶) در ثلث دوم دوره مذکور یعنی از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰ اولین برنامه عمرانی هفت ساله کشور (سال ۱۳۱۷) با کمک یک کمپانی آمریکائی طرح شد و به اجرا درآمد. در این برنامه ۲۳ درصد از کل اعتبارات برای احداث بنادر، فرودگاه ها، راه آهن و راه شوسه، ۷ درصد برای احداث خانه های مسکونی و ۱۴ درصد برای توسعه صنایع و معادن تخصیص داده شد. (۱۲: ۱۳۵) به این اعتبار ۴۴ درصد از کل اعتبارات عمرانی این برنامه به اموری تخصیص یافت که عملکرد مستقیم آن افزایش نرخ مهاجرت از روستا، در پی نیازهای برنامه های عمرانی به نیروی کار (وجود تقاضا برای نیروی کار) به ویژه کارگران ساده ساختمانی بود. اجرای «اصل چهارم» (۵) توسط آمریکائیان در اواخر این دوره (۱۳۲۸) نیز در افزایش ارتباطات میان شهر و روستا و در نتیجه تشدید نرخ مهاجرت مؤثر بود. در دو ثلث مزبور وخامت اوضاع اقتصادی ایران به طور پیوسته تشدید می شد. اما تصویب قانون ملی شدن نفت توسط مجلس ایران در سال ۱۳۲۹ «دورنمای جدید و





✽ از آنجا که هنوز هم بخش اعظم مهاجرت های داخلی به سوی شهر تهران کانالیزه شده است، تردیدی نیست که تنها راه پیش گیری از مسایل حاد ناشی از آن اتخاذ سیاستهای مرکز گریزی در ابعاد مختلف است.

تخصیص یافته بود که تحقق آن مستلزم افزایش نرخ مهاجرت روستائی برای تامین نیروی کار مورد نیاز برنامه بود. (۱۴: -) بنا به تخمین، نرخ مهاجرت روستائی در این دوره به طور جهشی افزایش یافته و به حدود ۱۰ برابر نرخ مهاجرت در دوره قبل یعنی به ۱/۰۵ رسید. متوسط تعداد مهاجرین هر سال در دوره فوق حدود ۱۵۳ هزار نفر است که بیش از ۸ برابر همین مهاجرین در دوره قبل است. در این دوره ۶ ساله به تقریب حدود ۹۱۸ هزار نفر از طریق مهاجرت روستائی به جمعیت شهرهای کشور افزوده شدند. متوسط سالانه این تعداد حدود ۲ درصد کل جمعیت شهرنشین ایران در سال ۱۳۴۱ است. از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵ که سال دومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران است، بنا به ارقام نرخ مهاجرت روستائی حتی کمی کاهش هم یافت، یعنی از ۱/۰۵ درصد به یک رسید. وانگهی به رغم افزایش قابل ملاحظه نرخ رشد جمعیت از ۲/۰۴ در سال ۱۳۴۱ به ۳/۲۵ در سال ۱۳۴۵، افزایش قدر مطلق مهاجران روستائی در این دوره نیز قابل توجه نیست.

شکی نیست که کاهش مهاجرت روستائی در این دوره ناشی از اجرای برنامه اصلاحات ارضی است. به سخن دیگر، تحقیقا احساس مالکیت زمین و منزلت اجتماعی و عرفی ناشی از این مالکیت، مانع از مهاجرت دهقانان صاحب زمین شده در دهات مشمول اصلاحات ارضی، شد. در دهاتی که هنوز اصلاحات ارضی اجرا نشده بود نیز، دورنمای صاحب زمین شدن دهقانان را در ده باقی نگه می داشت. در مقابل این کاهش نسبت مهاجرت در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی و تضعیف عملکرد نیروهای دافعه (رانش) روستا، گسترش صنایع و فعالیت های خدماتی به ویژه تورم سازمانی سازمانهای دولتی و وزارتخانه ها در شهرها، روز به روز بر شدت عوامل جاذبه شهرها می افزود. منتها اثر اصلاحات ارضی بسی بیشتر از تاثیر عوامل جاذبه شهرها در جلب نیروی کار روستاها بود. رشد طبیعی جمعیت شهرها، بهبود وضع و شرایط بهداشتی و در نتیجه کاهش مرگ و میر (و ادامه روند قبلی زاد و ولد) و نیز بهبود نسبی شرایط زیستی جمعیت و افزایش نسبی درآمد خانوارها، تغییر تقسیمات کشوری، افزایش نقاط شهری و نیز افزایش جمعیت شهرها در نتیجه مهاجرت روستائیان، نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت کشور را از رقم ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۸ درصد (۷ درصد افزایش) در سال ۱۳۴۵ رساند. قدر مطلق افزایش جمعیت شهرنشین در طی این ده سال حدود ۴ میلیون نفر است. در دوره بعد یعنی از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ به رغم ادامه اجرای اصلاحات

وسعی را در مقابل تکامل اقتصادی ایران و از میان رفتن فقر و فاقه مردم (۱۲: ۱۵۳) کشور. منتها اقدامات دولت مصدق (۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲) در زمینه اجرای این قانون و خلع ید از کمپانی انگلیسی، منجر به محاصره اقتصادی ایران (و تحریم نفت ایران) و در نتیجه تشدید وخامت اقتصادی کشور شد. این وضع درآمد دولت را به شدت کاهش داد و موجب افزایش چشمگیر بیکاری در سطح کشور شد و به این ترتیب نرخ مهاجرت روستائیان را تا اندازه تنی کاهش داد. وانگهی در دوره مصدق اقدامات مربوط به کاهش سهم مالکانه (افزایش سهم زارعین به میزان ۱۰ درصد) و نیز دریافت سهمی از مالک برای عمران ده، احتمالا تا حدود زیادی در زمینه تضعیف عملکرد نیروهای دافعه روستائی و در نتیجه کاهش نرخ مهاجرت روستائی مؤثر بود. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و حل مسائل صدور نفت سرآغاز دوره اقتصادی و اجتماعی جدیدی در ایران به شمار می آید. مشخصه سیاسی این دوره، سلطه آمریکا بر ایران و مشخصه اقتصادی آن نضج روزافزون سرمایه داری، توسعه صنایع و نوسازی اقتصاد ایران و مهم ترین مشخصه اجتماعی آن رشد شهرنشین، افزایش تعداد مشاغل صنعتی و خدماتی، کاهش نسبت جمعیت روستائی و کاهش سهم اشتغال در بخش کشاورزی است. بعد از کودتا، نخست کسرسیموم بین المللی نفت (با مشارکت پنج کمپانی امریکائی، ۲ کمپانی انگلیسی و یک کمپانی فرانسوی) تشکیل شد و بهره برداری از نفت ایران را به عهده گرفت. سپس کوشش هایی برای رفع بحران اقتصادی و نوسازی اقتصاد ایران از طریق اعطای وام، افزایش حجم سرمایه گذاری های خارجی و اجرای پروژه های عمرانی انجام شد.

به این ترتیب در دوره ۱۵ ساله و بحرانی میان ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ مهاجرت روستائی در ایران، به استثنای یک دوره وقفه کوتاه مدت (به دلیل وخامت زیاد اوضاع اقتصادی و نیز در نتیجه افزایش درآمد روستائیان از طریق بالا بردن میزان سهم زارع)، کم و بیش هم چون دوره گذشته جریان داشت. اما به طور کلی شرایط خاص بحران اقتصادی کشور مانع از افزایش نرخ مهاجرت روستائی در این دوره بوده است. بنا به تخمین، نرخ مهاجرت روستائی در دوره فوق سالانه ۰/۱ درصد است که به رغم افزایش قابل ملاحظه نرخ رشد جمعیت (از ۱/۲ درصد به ۲/۶ درصد) تقریبا معادل نرخ مهاجرت در دوره قبل (از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰) است. متوسط مهاجرت سالانه روستائیان به شهرها در این دوره حدود ۱۸۰۰۰ نفر است که در مقایسه با تعداد سالانه همین مهاجرین در دوره قبل حدود ۵۷۰۰ نفر افزایش نشان می دهد. طی این مدت به تقریب حدود ۲۷۰ هزار نفر از طریق مهاجرت از روستاها به جمعیت شهرهای کشور افزوده شد. متوسط سالانه این تعداد معادل ۰/۳ درصد جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۳۵ است.

دوره بعد یعنی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ سال های اجرای برنامه هفت ساله دوم عمرانی (۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱) در ایران است. از کل بودجه ۱/۱ میلیارد دلاری این برنامه ۳۵ درصد برای احداث راه آهن و راه شوسه و بنادر و فرودگاه ها و تأسیسات استراتژیکی (امور ساختمانی) و حدود ۱۴ درصد برای گسترش صنایع در نظر گرفته شده بود. به این ترتیب ۲۹ درصد از کل بودجه برنامه به اموری



## \* مهاجرت داخلی ایران

بیش از هرچیز نوعی مکانیسم متعادل کننده میان میزان جمعیت و امکانات حیاتی و اقتصادی از قبیل آب و زمین موجود برای زیست این جمعیت، به ویژه در مناطق روستایی، است.

ارضی، در نتیجه شدت گرفتن روند توسعه شهرها و نیز افزایش فشارهای جمعیتی در مناطق روستایی به سبب افزایش چشمگیر جمعیت روستایی (رشد طبیعی جمعیت و بهبود نسبی امکانات بهداشتی و درمانی) و نیز افزایش درآمد نفت از حدود ۲/۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۴۵ به ۱۶/۳ میلیارد تومان در سال ۱۳۵۰ (۱۶۶:۱) نرخ مهاجرت روستایی افزایش یافت.

تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی در پاره‌نی از مناطق روستایی که بخش قابل ملاحظه‌نی از نیروی مازاد کشاورزی این مناطق را آزاد می‌ساخت نیز در زمینه افزایش نرخ مهاجرت در حوزه عمل این شرکت‌ها موثر بوده است. مطالعاتی که در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در مورد بررسی شرکت‌های سهامی زراعی انجام شده، بازگویی آن است که در نتیجه تشکیل شرکت سهامی زراعی، بخش مهمی از روستائیان کشاورز (صاحب نسق) در حوزه فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی به طور فردی یا خانوادگی روستا را ترک کردند. ظاهراً مهم‌ترین علل مهاجرت روستائیان بعد از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی، قاعده مربوط به واگذاری حق استفاده دائم و مطلق اراضی به شرکت و نیز مکانیزه کردن اراضی در قلمرو فعالیت شرکت بود. به طور مثال بنا به یک گزارش «پس از تشکیل شرکت، روستائیان دهات حوزه عمل به مهاجرت پرداختند... به طوری که قبل از تشکیل شرکت ۵/۷ درصد از افراد خانوارهای نمونه مهاجرت کرده بودند در حالی که (پس از تشکیل شرکت) در سال گذشته این نسبت به ۱۴/۲ درصد رسیده است.» (۶) وانگهی تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی به دلیل ایجاد تغییر در استانداردهای زندگی روستائیان و نیز احتمالاً به دلیل افزایش درآمد و بهبود وضع زندگی اعضا، مهاجرت آنان به شهرک‌های اطراف حوزه عمل شرکت و نیز نقل و انتقالات جمعیت میان دهات قلمرو شرکت و تمرکز سهامداران در روستای مرکز شرکت را نیز تشدید کرد. بنا به گزارش بررسی شرکت سهامی زراعی قصر شیرین، ۱۱ درصد سهامداران در طول مدت ۴ سال تشکیل شرکت (۱۳۴۷) تا سال ۱۳۵۰ در شهرک سرپل ذهاب ساکن شده‌اند. علاوه بر این ۸ درصد از سهامداران شرکت (کل سهامداران - ۲۹۷ خانوار) به شهرهای قصر شیرین کرمانشاه و تهران و نیز دهات دور دست مهاجرت دائم نموده بودند. (۷)

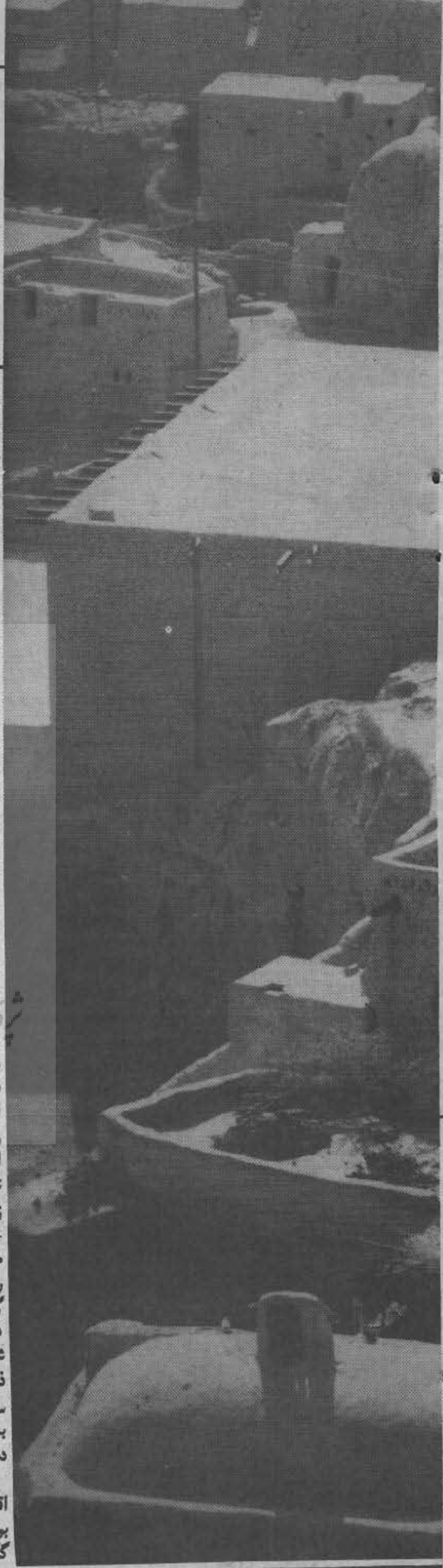
وانگهی در دوره مذکور تأکید اصلی توسعه اقتصادی بر روی صنعتی شدن کشور نهاده شده بود. افزایش تعداد واحدهای تولیدی صنعتی و پایه گذاری صنایع پتروشیمی، گاز و بهره برداری از

صنعت اتمی و نیز افزایش قابل ملاحظه حجم فعالیت‌های ساختمانی در نقاط شهری در این دوره، عامل بسیار مؤثری در جذب نیروی کار رانده شده از روستا به شمار می‌آید.

بر اساس برنامه عمرانی چهارم که از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ به طول انجامید از کل مبلغ سرمایه گذاری ثابت دولت طی این برنامه ۲۲/۳ درصد به صنایع و ۸/۲ درصد به بخش ساختمان (۱۶۶:۱۴) اختصاص داشت که یکی از شروط لازم برای تحقق آن تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برنامه از طریق مهاجرت روستائیان به شهرها بود. بنا به محاسبه، نرخ مهاجرت روستائیان در این دوره به ۱/۴ درصد رسید که ۰/۴ درصد بیش از همین نرخ در دوره قبل است. متوسط تعداد مهاجرین سالانه از روستا در این دوره حدود ۲۳۲ هزار نفر است که حدود ۱/۵ برابر تعداد همین مهاجرین در دوره قبل است. بنا به تخمین بیش از یک میلیون نفر از جمعیت شهرنشین این دوره را مهاجرین روستایی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ تشکیل می‌دهند. قدر مطلق افزایش جمعیت شهرنشین در این دوره حدود ۲/۶ میلیون نفر است. به این ترتیب ۲۸ درصد افزایش جمعیت شهری در دوره مذکور ناشی از مهاجرت روستائیان به شهر است. در دوره بعد یعنی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ (سال افزایش چشمگیر درآمد نفت) به رغم کاهش رشد جمعیت، نرخ مهاجرت به سبب افزایش فشارهای جمعیتی در روستا و توسعه فعالیت‌های تولیدی صنعتی در شهرها و گسترش چشمگیر فعالیت‌های ساختمانی، همچنان افزایش یافت. نرخ مهاجرت روستایی از ۱/۴۵ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۱/۶۸ درصد در سال ۱۳۵۳ رسید. متوسط تعداد مهاجران سالانه در این دوره حدود ۲۹۷ هزار نفر است که حدود ۶۵ هزار نفر بیش از متوسط تعداد همین مهاجران در دوره قبل است.

دردوره بعدی (۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) یعنی در دوره افزایش چشمگیر درآمد کشاورز محل نفت، به دلیل سرازیر شدن درآمدهای نفتی به بخش‌های شهری، نرخ مهاجرت روستایی به طور جهشی افزایش یافته و به رقم ۲ درصد رسید. این رقم در تاریخ صدساله مهاجرت در ایران بی سابقه است. بنا به محاسبه متوسط تعداد مهاجران روستایی سالانه در این دوره ۳۷۳ هزار نفر است که حدود ۷۶ هزار نفر بیش از متوسط همین مهاجران در دوره قبل (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳) است. در این دوره ۴ ساله حدود ۳/۱ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین کشور افزوده شد که لااقل ۲۸ درصد از این افزایش ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها یا تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری است. تأکید اصلی برنامه عمرانی در این دوره به اعتبار افزایش درآمد نفت روی بخش صنعت و خدمات بوده است. از مجموع اعتبارات عمرانی دولت «سرمایه گذاری ثابت دولت» در طی برنامه عمرانی پنجم ۴۱ درصد به بخش صنعت (۸: ۱۵، ۱۹۱، ۱۹۵ و ۲۰۱) و ۲۲/۸ درصد به بخش ساختمان (۹: ۱۵، ۲۰۵) تخصیص یافته است. به این ترتیب حدود ۶۴ درصد از اعتبارات عمرانی برنامه پنجم صرف ابوری شده است که تحقق آن مستلزم تشدید حرکات انتقالی جمعیت از روستا به شهر بود.

به طور کلی سال‌های دهه ۱۳۵۰ دوره اوج مهاجرت روستایی و هجوم مهاجران به شهرهای بزرگ به شمار می‌آید. سال ۱۳۵۰ سراغاز شکوفاتی عوامل جاذبه شهری است. حتی اگر چند







برابر شدن درآمد نفت در پایان دوره کوتاه مدت ۱۳۵۰ تا ۵۳ موجب چند برابر شدن شدت مهاجرت در دوره بعد یعنی از افزایش درآمد نفت (۱۳۵۳) تا سال پیروزی انقلاب (۱۳۵۷) نمی شد نیز، تشدید عملکرد عوامل جاذبه شهری و قوت یافتن عوامل دافعه روستا در نتیجه فزونی گرفتن فشارهای جمعیتی، به خودی خود مهاجرت روستائی را نسبت به دوره قبل به طور چشمگیری بیشتر می کرد. منتها افزایش درآمد نفت که پی آمد آن طرح و اجرای برنامه های عمرانی و احداث کارخانه های نوین و افزایش سهم اشتغال بخش خدمات بود، موجب جذب سیل نیروی کارسرازیر شده از روستا در اقتصاد شهری شد.

شکی نیست که اگر بخش های صنعت و خدمات اقتصاد شهری قدرت جذب سیل مهاجرین را نداشت، افزایش بیکاری و فقر ناشی از آن در شهرها عوارض اجتماعی و اقتصادی مخربی به وجود می آورد. به هر حال محتمل است که این مهاجرت فزاینده عوارض سیاسی نامطلوبی از لحاظ رژیم قبلی به بار آورده باشد اما البته دلائل کافی در این مورد در دست نیست. برخی از جامعه شناسان افزایش مهاجرت روستائی در دهه ۱۳۵۰ و مسائل ناشی از این مهاجرت ها در سطح شهرها را یکی از عوامل سرنگونی رژیم شاه می دانند.

«اریک هوگلند» در بررسی مشارکت روستائیان در انقلاب اسلامی، نقش مهاجرین روستائی را (به مثابه تهیدستان شهری) در جریان حرکات انقلابی شهرها بسیار مهم و مؤثر می داند. اومی نویسد:

«حاصل تحولات اقتصادی جامعه روستائی در اثر اجرای اصلاحات ارضی مهاجرت شدید روستائیان به شهرها در دهه ۱۹۷۰ بود. گرچه جریان حرکت جمعیت لااقل از اواسط ۱۹۵۰ (= ۱۳۲۹) وجود داشت، اما این جریان به میزان قابل توجهی در سال های ۷۳ - ۱۹۷۲ شدت گرفت. این امر به طور آشکار از شرایط اقتصادی جامعه روستائی مایه می گرفت و پاتوق ناگهانی اقتصاد کشور در نتیجه افزایش درآمد نفت تشدید شد. مردان جوان مهاجر روستائی منبع اصلی نیروی کار بخش ساختمان در شهرها را تشکیل می دادند. در اوج

ترقی بخش ساختمان در اواسط ۱۹۷۵ تا اواخر ۱۹۷۷ بشر از یک میلیون نفر در احداث ساختمان ها در سراسر کشور مشغول به کار بودند. این جمعیت حدود ۱/۸ کل جمعیت فعال مرد (۱۶ سال و بیشتر) کل کشور بود. حرکت روستائیان به نواحی شهری بیشترین اثر را به شهرهای بزرگ از قبیل تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و اهواز داشت... در کلیه شهرها مهاجرین روستائی در محلات فقیرنشین اسکان می یافتند. این محلات تقریباً از کلیه خدمات شهری نظیر برق، آب لوله کشی و فاضلاب محروم بود و اصلی ترین مشخصه آن تراکم زیاد جمعیت بود. هوگلند معتقد است که این جوانان روستائی مهاجر اولاً سیاسی شدن مذهب را که از اجزاء مهم انقلاب بود قویاً باور داشتند، ثانیاً عامل انتقال جریانات اعتراضی موجود در شهرها به داخل روستاها بودند ثالثاً به دلیل فقدان امنیت شغلی (غیردائمی بودن کارهای ساختمانی) از ظرفیت اعتراضی بالائی برخوردار بودند و رابعاً؛ اینکه اقدامات اقتصادی دولت آموزگار برای مهار تورم که منجر به محدود شدن فعالیت های ساختمانی در اوایل سال ۱۹۷۸ شد، بیش از همه دامن آنها را گرفت و در نتیجه این جوانان روستائی به مثابه فعال ترین تهیدستان شهری به طور وسیع به تظاهر کنندگان ضلشاه در شهرها پیوستند. (۱۰)

هر چند که نظرات هوگلند قابل تأمل است، اما باید توجه داشت که شواهد زیادی در مورد نقش مهاجران روستائی در تظاهرات شهری بر ضد شاه وجود ندارد. وانگهی اساساً در این که مهاجران روستائی بتوانند به مثابه یک طبقه یا قشر اجتماعی در شهرها به صورت منسجم برای تحقق خواسته های سیاسی معینی اقدام کنند محل تردید است. در سال های بعد از انقلاب اسلامی روند تشدید شونده مهاجرت روستائی سال های دوئل اول دهه ۱۳۵۰ دچار وقفه شد. این امر به طور کلی در شرایطی حادث شده است که نرخ رشد طبیعی جمعیت به طور قابل ملاحظه تی نسبت به دوره قبل از انقلاب افزایش یافته است. این وضع ناسازگار باروند قبلی یعنی از سونی به هم خوردن تناسب میان نرخ مهاجرت و میزان افزایش جمعیت (افزایش فشار جمعیتی در روستا) و از سوی دیگر رکورد نسبی

روند فزاینده مهاجرت روستائی، ناشی از مسائل خاص انقلاب اسلامی، و خاتم ارضاع اقتصادی، افزایش بیکاری در سطح شهرها و کاهش عملکرد نیروهای جاذبه شهری از یک سو نیز طرح برنامه اصلاحات ارضی اسلامی، سیاست های مقطعی و موضعی تشویق و ترغیب مهاجرت های معکوس و غیره، از سوی دیگر است. بنابه محاسبه، نرخ مهاجرت روستائی در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱) از ۲ درصد در دوره قبل به ۱/۹ درصد (۰/۱ درصد کم تر) کاهش یافته است. البته این کاهش در شرایطی است نسبت شهر نشینی در این دوره از ۴۸/۹ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵۲/۷ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافته است.

طی دوره بعد از انقلاب بنابه تخمین سالانه به طور متوسط ۳۶۴ هزار نفر از روستاها مهاجرت کرده اند. این رقم حدود ۹ هزار نفر کم تر از متوسط تعداد سالانه مهاجران روستائی در دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ است. در دوره ۴ ساله بعد از انقلاب (از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱) جمعاً ۱/۴ میلیون نفر از طریق مهاجرت از روستاها به جمعیت شهرنشین کشور افزوده شده است. این تعداد ۶/۹ درصد کل جمعیت شهرنشین در سال ۱۳۶۱ و در حدود ۳۶ هزار نفر کم تر از رقم افزایش جمعیت شهرها در دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ در نتیجه مهاجرت روستائی است.

در جدول شماره دو اطلاعات مربوط به کل جمعیت، نسبت شهرنشینی و روستائینی و نیز نرخ مهاجرت و نرخ رشد جمعیت به دست داده شده است. نخست ذکر یک نکته در مورد محاسبات مربوط به نرخ مهاجرت روستائی و متوسط تعداد سالانه مهاجران روستائی در جدول ضروری است. از آنجا که محاسبه رقم جمعیتی که از طریق تغییر حدود تقسیمات کشوری و تبدیل نقاط روستائی به شهرها طی دوره های مذکور از لحاظ دسترس به منابع آماری مربوطه عملاً ناممکن بوده است در نتیجه جمعیت فوق در جدول همواره به عنوان جمعیت روستائی مهاجر به دست داده شده است. به این ترتیب عملاً و در واقع هم نرخ مهاجرت روستائی و هم متوسط تعداد سالانه مهاجران روستائی از آنچه که در جدول به دست داده شده است کم تر است. بنا به تخمین حداقل حدود ۱/۲ میلیون نفر در فاصله



سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۱ از طریق تبدیل نقاط روستائی به نقاط شهری به جمعیت شهری کشور افزوده شده است. (۱۱)

در دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۱ بنا به جدول جمعاً به طور متوسط ۱۵ میلیون نفر به جمعیت شهرها افزوده شده است. که بنا به جدول معادل افزایش طبیعی و مهاجرت روستائی فرض شده است. با کاستن رقم ۱/۲ میلیون نفر مربوط به تبدیل نقاط روستائی به شهرها از رقم فوق خالص مهاجرت روستائی و افزایش طبیعی دوره فوق به ۱۳/۸ میلیون نفر کاهش خواهد یافت.

در ۱۰ ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ سالانه ۳۹ هزار نفر

### مطالعات انجام شده نشان

می دهند در مجموع ۵۵ درصد

مهاجران مزد روستایی،

در جست و جوی کار محل سکونت

خود را ترک کرده اند.

و در دهساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ سالانه ۵۴ هزار نفر و در ۶ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱ سالانه ۳۲ هزار نفر از طریق تبدیل روستاها به شهرها به جمعیت نقاط شهری افزوده شده است. با منظور کردن ارقام فوق در دوره های مذکور در جدول، ستون نهائی جدول که بازگویی رقم اصلاح شده تعداد متوسط مهاجران روستائی در دوره های مذکور است به دست می آید. همان طور که در جدول دیده می شود در دوره ۱۶ ساله بعد از اصلاحات ارضی تا سال سرنگونی رژیم شاه (از ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷) جمعاً حدود ۲/۱۸۳ میلیون نفر روستائی به شهرها مهاجرت (از طریق مستقیم و نیز از طریق تبدیل روستاها به شهر) کرده اند. این رقم ۲۴ درصد در کل جمعیت شهرنشین در سال ۱۳۵۷ است. در پایان این دوره قدر مطلق جمعیت شهری ایران حدود ۱۷/۲۳۳ میلیون نفر بوده است. با توجه به تبدیل حدود ۱۲۲ آبادی روستائی در طی مدت مذکور به نقاط شهری، جمعیت افزوده شده به شهرنشینان کشور از این طریق بنا به تخمین حدود ۷۲۰ هزار نفر برآورد می شود که حدود ۶ درصد از کل جمعیت افزوده شده به شهرها در مدت مذکور است. به این اعتبار، رقم مهاجرت خالص روستائی طی ۱۶ سال حدود ۳/۲ میلیون نفر (۴/۱-۰/۷=۳/۲) است.

به طور کلی از آغاز دوره یکصدساله مورد بررسی تا آغاز انقلاب اسلامی، فقط در دو مقطع زمانی روند فزاینده مهاجرت روستائیان به شهرها به طور موقت دچار وقفه شد. این دو دوره یکی دوره کوتاه حکومت مصدق در ایران است (۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲) که در نتیجه وخامت زیاد اوضاع اقتصادی کشور، از یک طرف جاذبه های شهری به شدت تضعیف شده بود و از طرف دیگر به دلیل اقدامات مربوط به افزایش سهم زارعین و کوشش برای عمران دهات، عملکرد نیروهای دافعه روستائی کاهش یافته و در مقابل، عامل افزایش نسبی سهم روستائیان از محصول، به صورت عاملی در تثبیت کشاورزان در دهات عمل می کرد.

دوره دیگر رکود موقت مهاجرت روستائی، مربوط به سال های اول اجرای اصلاحات ارضی است. در این دوره دورنمای صاحب زمین شدن به رغم افزایش جاذبه های شهری، در نتیجه گسترش

صنایع و فعالیت های ساختمانی در سطح شهرها، به صورت عامل بازدارنده ی مهاجرت از ده عمل کرد. اما در هر دو دوره مزبور، کاهش نرخ مهاجرت روستائی یک امر موقت و زودگذر بود. از آنجا که در هر دو دوره اوضاع زندگی روستائیان به طور نسبی کمی بهبود یافت و از آنجا که با بهبود نسبی وضع روستائیان تکنولوژی تولید کشاورزی نیز بهبود می یابد و نیز با توجه به این واقعیت که بهبود تکنولوژی تولید کشاورزی موجب رها ساختن نیروی کار مازاد بخش کشاورزی می شود، در هر یک از مقاطع فوق کاهش موقت مهاجرت روستائی، موجبات تشدید نرخ مهاجرت و افزایش میزان تحرک مکانی از روستا به شهر در مقاطع بعدی شد. ۷ برابر شدن نرخ مهاجرت (از ۰/۱۴ درصد به ۱ درصد) در فاصله سال های ۳۵ تا ۴۱ و نیز یک و نیم برابر شدن تعداد متوسط مهاجرین در هر سال (از ۱۶۰ هزار نفر به ۲۳۲ هزار نفر) در فاصله سال های ۴۵ تا ۵۰ (دوره های بعد از رکود موقت مهاجرت) و رشد انفجاری آن در فاصله ۵۰ تا ۵۷ بازگویی رابطه میان رکود موقت مهاجرت در یک دوره و افزایش جهشی آن در دوره های بعد است. می توان چنین پنداشت که مهم ترین دلیل رونق افزایش مهاجرت روستائی در مقاطع بعد از رکود نسبی (صرف نظر از افزایش فشارهای جمعیتی) بهبود نسبی تکنولوژی تولید کشاورزی است. این وضع بازگویی آن است که روند مهاجرت روستائی در ایران تا زمانی که جمعیت ساکن روستاها با توجه به سطح تولید کشاورزی به تعادل مناسبی دست نیابد، ادامه خواهد داشت.

اگر واقعا آن طور که آمار نشان می دهد رابطه ای میان کاهش موقت مهاجرت در یک دوره و افزایش جهشی و انفجاری آن در دوره های بعدی وجود داشته باشد و اگر بپذیریم که شرایط موجود اقتصادی جامعه در حال حاضر بحرانی است، می توان توقع داشت که در پی کاهش نسبی شدت مهاجرت روستائی در دوره بعد از انقلاب، باید منتظر یک دوره رشد انفجاری مهاجرت روستائی بود. محتملاً شتاب این مهاجرت آینده، در نتیجه حوادث ناشی از انقلاب، جنگ و وخامت اوضاع اقتصادی بسیار شدید خواهد بود. و محتمل است که این انفجار مهاجرتی از لحاظ زمانی درست پس از پایان جنگ و تخفیف نسبی بحران اقتصادی پدید آید.

از آنجا که هنوز بخش اعظم مهاجرت های داخلی ایران به سوی شهر تهران کانالیزه شده است، تردیدی نیست که تنها راه پیشگیری از مسائل حاد ناشی از افزایش غیرقابل کنترل و آسیب رساننده جمعیت تهران، اتخاذ سیاست های مرکزگرایی Decentralization در ابعاد سیاسی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سطح کشور است. به این اعتبار، بیشترین توجه برنامه های عمرانی و بیشترین تسهیلات اعتباری و فنی برای احداث کارخانه ها و غیره، باید متوجه شهرهای متوسط و حتی کوچک باشد. به سخن دیگر، تنها راه رهایی تهران از اثرات مخرب سیل مهاجرت بسیار شدید (شهری و روستائی) از سراسر کشور ایجاد جاذبه های شهری در شهرهای متوسط و کوچک است.

### ج - ویژگی های مهاجرت روستائی در ایران

مطالعات چندانی در مورد کیفیت مهاجرت های روستائی در ایران، در دست نیست. تنها در این

بحث کوشش می کنیم که براساس آنچه که هست و با استناد به مطالعات انجام شده، برخی از ویژگی های کلی و عام مهاجرت های روستائی کشور را به دست دهیم.

بنا به یک مطالعه در زمینه نتایج اصلاحات ارضی در مناطق روستائی بیرجند، قصرشیرین، همدان، سنندج، گرمسار، گلپایگان و ساری که در سال ۱۳۴۸ توسط محققان مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شده است، مهاجرت های روستائی به طور کلی فرایندی است «مردگزين» ناشی از علل اقتصادی مربوط به جست و جوی کار و عموماً فصلی است و بیشتر به صورت حرکات جمعیتی برون منطقه ای به سوی تهران و مراکز شهری سایر استان ها جهت گیری شده است. در این مطالعه، نتایج بررسی حدود ۱۵۰۰ خانوار روستائی نمونه، در زمینه مهاجرت بازگویی آن است که:

اولاً بخش عمده مهاجران روستائی را مردان تشکیل می دهند. مهاجرت زنان اصولاً جنبه تبعی داشته و بیشتر برای ازدواج صورت می گیرد.

ثانیاً نسبت مهاجران فصلی و موقت در مجموع بیش از مهاجران دائم است. بررسی تطبیقی مناطق مورد مطالعه در زمینه نوع مهاجرت بازگویی آن است که بیشترین نسبت مهاجران فصلی و موقت متعلق به مناطق قصرشیرین (۹۴ درصد مهاجران منطقه)، همدان (۹۵ درصد مهاجران منطقه)، بیرجند (۵۶ درصد مهاجران منطقه) و سنندج (۵۳ درصد مهاجران منطقه) بوده است (۱۳:۱). در این مناطق هم طول فصل کشاورزی کوتاه است و هم به طور کلی تولید کشاورزی رونق چندانی ندارد. در مقابل، منطقه گرمسار که به دلیل دسترسی به بازار مصرف تهران از کثرت تجاری پالنبه پروتقی برخوردار است، بیشترین نسبت مهاجران دائم (۷۹ درصد مهاجران منطقه) را داشته است (۱۳:۱).

ثالثاً: هرچند که در گزارش فوق روشن نیست که چه نسبتی از مهاجران دائم به صورت فردی و چه نسبتی به صورت خانوادگی مهاجرت کرده اند، ولی با توجه به نتایج مطالعه در سایر زمینه ها از جمله در مورد ارتباط مالی مهاجرین با مبدأ که می تواند بازگویی باقی ماندن اعضای خانواده افراد مهاجر در روستا باشد (۱) - می توان دریافت که بخش اعظم مهاجران دائم به صورت خانوادگی مهاجرت کرده اند.

رابعاً: میان اقدام روستائیان به مهاجرت و عامل سواد همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر بیشتر مهاجران (۵۷ درصد کل مهاجران) را روستائیان با سواد تشکیل می دادند تأثیر عامل سواد در میزان مهاجرت به ویژه در منطقه گرمسار که به علت مجاورت و نزدیکی با تهران از توسعه فرهنگی پالنبه بیشتری برخوردار است بارزتر بوده است. ۸۲ درصد مهاجران مرد این منطقه را روستائیان با سواد تشکیل می دادند. در مقابل در مناطق دور افتاده ای چون قصرشیرین و بیرجند نسبت مهاجران با سواد کم تر از مهاجران بی سواد است. (۱۱:۱).

مقصد مهاجرت:

بنا به این مطالعه، مهاجرت ها عموماً یک مرحله ای بوده است. در مجموع ۸۰ درصد مهاجران روستائی، روستا را به مقصد اقامت در یک نقطه شهری ترک کرده بودند. ۳۷ درصد مهاجران به تهران، ۲۲ درصد به استان های دیگر، ۱۰ درصد به مراکز استان مربوطه و ۷ درصد به شهرهای مجاور





روستائی، آنچنان که در مطالعه مذکور صورت گرفته است، کمی شتابزده به نظر می آید. وانگهی برخی از مطالعات موردی در باب مهاجرت از جمله «پژوهشی در علل مهاجرت روستائیان به شهر در استان همدان» بازگویی آن است که «مهاجرت یا گروه‌های درآمدی و مقدار مالکیت افراد رابطه‌نی ندارد» (۱۳)

انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی و ماندگاری در روستا:

توسعه صنعت در سال‌های دهه ۱۳۵۰ و احداث مجتمع‌های کارخانه‌نی بزرگ در برخی مناطق، اثرات ویژه‌نی بر وضع مهاجر فرستی روستاهای این قبیل مناطق باقی گذاشت. شاخص اصلی این تغییرات سهولت انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت در شرایط ماندگاری نیروی کار در روستاهاست. وانگهی برخی از روستاهای مجاور این مراکز صنعتی، به صورت روستاهای خوابگاهی از نوعی جاذبه مهاجرپذیری (فقط به منظور سکونت) نیز برخوردار شدند.

این وضع در مناطق روستائی اصفهان و در روستاهای حوزه شرقی دشت قزوین (به دلیل احداث مجتمع شهر صنعتی البرز) به چشم می‌خورد و در حوزه‌های صنعتی استان خوزستان نیز این وضع سابقه طولانی تری دارد.

بنا به مطالعه‌نی که در سال ۱۳۵۶ توسط گروه مطالعات روستائی آمایش سرزمین در منطقه لنجان انجام شده است، احداث کارخانه ذوب آهن بخش قابل ملاحظه‌نی از نیروی کار بخش کشاورزی این مناطق را به خود جذب کرده است، اما موجب مهاجرت دائم روستائیان شاغل در ذوب آهن، از زادگاهشان نشده است. «با وجود وسایل ایاب و ذهاب کارخانه ذوب آهن، بسیاری از روستائیان مشغول به گارداین کارخانجات می‌توانند در روستای خود زندگی کنند. در چنین روستاهائی که قسمت اعظم دهات منطقه را دربرمی‌گیرد (در گزارش روشن نیست که چنده از مجموع ۲۵۰ آبادی دارای سکنه لنجان است) چنین وضعی دارد؟ کشاورزی به صورت فعالیت پاره وقت درآمد است» (۱۷۶:۶).

بنا به مطالعه دیگری که توسط همین گروه در منطقه قزوین انجام شده است «بعضی از روستاهای

است. (۱:۱). به این ترتیب مطالعه فوق‌الذکر در زمینه برخی از وجوه مهاجرت‌های روستائی از قبیل مقصد مهاجران (برون منطقه‌نی بودن در مناطق توسعه یافته و درون منطقه‌نی بودن مهاجرت در مناطق دورافتاده و عقب مانده) علل مهاجرت (جست و جوی کار) و نوع اشتغال عمده مهاجران در مقصد (کارگری ساده) مشخصه‌های قابل تأملی به دست می‌دهد.

### مهاجرت روستائی و حاشیه نشینی:

بنا به مطالعات موجود، بخش مهمی از مهاجران روستائی در اطراف شهرهای بزرگ به صورت حاشیه نشین در مساکتی از نوع کپر و زاغه و آلونک و چادر و غیره زندگی می‌کنند. بنا به یک گزارش در مورد جمع پشندی و هم موجود حاشیه‌نشینان ایران، (۱۲) منشأ جغرافیائی ۸۰ درصد حاشیه‌نشینان شهرهای تهران، بندرعباس، اهواز، کرمانشاه، بوشهر و همدان، مناطق روستائی بوده است. (۳:۲) وانگهی منشأ اجتماعی حدود ۶۳ درصد جامعه حاشیه‌نشینان این شهرها نیز اقشار مختلف دهقانی بوده است. بنا به گزارش مذکور برخلاف آنچه که مشهور است قشرهای مزبور (مهاجران حاشیه‌نشین) در خوش‌نشینان، یعنی روستائیان بی‌زمین و بدون نسق، خلاصه نمی‌شود. زیرا نزدیک به ۳۲ درصد حاشیه‌نشینان از دهاقین نسق دار و سهم‌پر (رعایای سابق) و ۱۸/۴ درصد از خرده مالکان هستند. فقط ۱۰/۷ درصد حاشیه‌نشینان از اخلاف خوش‌نشینان (کارگران کشاورزی و چوپانان) اند.

(۴:۲) این گروه‌ها عمدتاً به دلیل بیکاری، خشکسالی و غیره روستای محل سکونت‌شان را ترک کرده بودند. (۸:۲)

### مهاجرت و قشرهای دهقانی:

در مطالعه‌نی که در سال ۱۳۵۴ توسط کارشناسان دفتر مطالعات ناحیه‌نی سازمان برنامه و بودجه در منطقه چهارمحال و بختیاری انجام شد. اطلاعاتی در زمینه‌ی چگونگی پریش مهاجرت در اقشار مختلف دهقانی منطقه به دست داده شده است: بنا به این مطالعه ۹۰ درصد از دهقانانی که مهاجرت کرده بودند از دهقانان تهیدست (دهقانان بی‌زمین یا صاحبان ۲ هکتار زمین و کم‌تر) می‌باشند. این گروه از مهاجران ۲۰ درصد از کل مهاجران منطقه را تشکیل می‌دادند. این مهاجرت هاطی ۵ ساله ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ به وقوع پیوسته است. مهاجرت در بین دهقانان خرده یا (صاحبان حدود یک جفت گاو - ۶ هکتار زمین) کم‌تر از دهقانان تهیدست بود. فقط ۵ درصد از خانوارهای این گروه در ۵ سال مورد مطالعه از روستا مهاجرت کرده بودند. «ظاهراً این گروه از دهقانان دلپستگی بیشتری به آب و خاک و ماندگاری در روستا نشان می‌دهند» به اعتبار این مطالعه، فقط یک درصد از دهقانان غنی (با متوسط زمین حدود ۱۸ هکتار، در پنج سال مورد مطالعه مهاجرت کرده بودند. شکی نیست که مهاجرت روستائیان با موقع و منزلت اقتصادی و اجتماعی آنان بی‌ارتباط نیست و به این اعتبار می‌توان رفتار اقتصادی اقشار مختلف روستائی را از لحاظ تصمیم و اقدام به مهاجرت ارزیابی کرده و بایک دیگر سنجید. ولی منحصر کردن تحلیل پویش مهاجرت به عامل اندازه زمین یا از طرف دیگر، استناد به میزان مهاجرت برای به دست دادن مشخصه‌هایی برای شناخت اقشار مختلف

مهاجرت کرده بودند. جمعا ۲۰ درصد مهاجران را مهاجران از روستا به روستا تشکیل می‌دادند. (۱۶:۱). به این ترتیب جمعا ۳۷ درصد مهاجرت‌ها درون منطقه‌نی و بالغ بر ۵۹ درصد آن برون منطقه‌نی بوده است. بررسی تطبیقی مناطق مورد مطالعه بازگویی آن است که در منطقه دورافتاده‌نی چون قصر شیرین ۷۷ درصد مهاجران (عموما عشایر) به دهات مجاور مهاجرت می‌کنند. نسبت این قبیل مهاجران روستائی (از روستا به روستا) در مناطق پررونق کشاورزی چون ساری نیز بالنسبه بالاست (۲۸ درصد). وانگهی در مناطق روستائی دورافتاده‌نی چون قصر شیرین و سنندج بیشترین نسبت مهاجرت‌ها در داخل منطقه به وقوع پیوسته بود. ۱۰۰ درصد مهاجران قصر شیرین و ۶۸ درصد مهاجران سنندج به دهات یا شهرهای مجاور یا مرکز استان مربوطه (درون منطقه) مهاجرت کرده بودند. در قصر شیرین ۷۱ درصد مهاجران بنا به ضرورت‌های دامداری (بیلاق و قشلاق) روستای محل سکونت خود را ترک کرده بودند. در مقابل در مناطقی چون گرمسار، همدان، گلپایگان و بیرجند بخش اعظم مهاجرت روستائی را مهاجرت برون منطقه‌نی (به تهران یا استان‌های دیگر) تشکیل می‌داد. این نسبت‌ها به ترتیب برای گرمسار ۷۹٪ (به تهران) و ۱۳/۶٪ (به استان‌های دیگر) - همدان ۴۳٪ و ۴۳٪ - گلپایگان ۷۰٪ و ۳۰٪ بیرجند و ۱۹٪ و ۲۲٪ بوده است (۱۶:۱).

### علل مهاجرت:

در مجموع ۵۵ درصد مهاجران مرد در جست و جوی کار روستائی محل سکونت‌شان را ترک کرده بودند. در میان سایر علل بیشترین نسبت مربوط به مهاجرت بخاطر سربازی (۱۸ درصد) و ادامه تحصیل (۶/۷ درصد) بوده است. سایر علل از قبیل کمبود درآمد، ازدواج، دیدار از اقوام، مبادله و غیره سهم ناچیزی در مهاجرت‌های روستائی داشته است. (۲۰:۱)

### شغل مهاجران در مقصد:

در مجموع بیشترین نسبت مهاجران (۳۷ درصد) در مقصد به کارگری ساده اشتغال داشتند. این نسبت برای مهاجران روستائی مناطق بیرجند به ۶۰ درصد، همدان ۲۱ درصد و گرمسار ۲۶ درصد افزایش می‌یابد. حدود ۹ درصد از مهاجران در مقصد به امور کشاورزی (همدان - قصر شیرین - ساری و گرمسار) و دامداری (قصر شیرین) اشتغال داشتند. ۶ درصد مهاجران به مشاغل کارمندی، ۲/۱ درصد به مشاغل صنعتی و ۴/۴ درصد به مشاغل بازرگانی (فروشنده‌گی) جذب شده بودند. (۲۳:۱).

### ارتباط مهاجران با مبدأ مهاجرت:

روشن نیست که چند درصد از مهاجران با مبدأ ارتباط دائمی داشته و چه نسبتی ارتباط‌شان با مبدأ مهاجرت به طور کلی قطع شده است. وانگهی در این مورد در گزارش مذکور میان انواع مهاجرت دائمی و فصلی تمیز داده نشده است. ولی نتایج مطالعات در زمینه ارتباط مالی مهاجران با خانواده بازگویی آن است که فقط ۲۱ درصد مهاجران برای خانواده‌شان در روستا پول می‌فرستند و در مقابل ۷۹ درصد هیچ پولی به روستای مبدأ مهاجرت نمی‌فرستند. بیشترین نسبت وجود ارتباط مالی با اعضای خانواده در مبدأ مهاجرت، مربوط به مناطق روستائی همدان است که بیشترین نسبت مهاجرین فصلی (۹۵ درصد مهاجرین منطقه) را نیز دارا بوده





واقع در نزدیکی شهر صنعتی البرز بیشتر مهاجر پذیر می باشند به طوری که می توان گفت به آبادی های خوابگاهی این مجتمع تبدیل شده اند. (۲۰۹:۶) در این مطالعه نیز روشن نشده است چند ده از چه مجموعه‌نی با چنین وضعی مواجه اند و نیز خالص مهاجرت آن‌ها (تفاضل ارقام مهاجرفرستی و مهاجرپذیری) چقدر است؟ البته به هر حال در وجود چنین پدیده‌نی نمی توان تردید داشت. به مطلب مربوط به تبدیل برخی از دهات به «سکونتگاه‌های کارگری» در گزارش دیگری که در زمینه مهاجرت فصلی روستائیان در دشت اسفهان در سال ۱۳۵۷ تهیه شده است نیز اشاره رفته است. بنا به این گزارش ۴ خانوارهای ساکن در سه روستای مورد مطالعه (جمعا ۲۱۰ خانوار از جمعیت سه روستا) از روستا صرفا به عنوان مسکن استفاده می کنند و به هیچگونه کار تولیدی کشاورزی نمی پردازند. (۱۲)

#### علل مهاجرفرستی روستاها:

مطالعه‌نی که در سال ۱۳۵۵ در باب علل مهاجرت روستائیان به شهر در استان همدان انجام شده، بازگویی آن است که از کل جامعه مهاجران روستائی ۲۲ درصد به مناطق روستائی دیگر و ۷۸ درصد به شهرها مهاجرت کرده‌اند بنا به همین مطالعه «در روستای عمرآباد، ۲۱ خانوار از ۴۷ خانوار ساکن ده برای همیشه روستا را رها کرده‌اند و در زمان مطالعه (۱۳۵۵) تنها نزدیک به نیمی از جمعیت روستا یعنی ۲۶ خانوار آن بر جای مانده بودند» (۲۱:۷) بنا به داور پیژوهشگران این گزارش، با استناد به ارقام حاصل از مطالعات میدانی، «برنامه های تبدیل مالکیت اراضی روستاها به منظور افزایش سطح زمین زارعین خرده پا یا واگذاری زمین به خوش نشینان یا تعدیل درآمد روستائیان و افزایش محدود درآمد آنان، هیچ یک مشکل مهاجرتی چنین آشفته و نابسامان را علاج نخواهد کرد» (۲۱:۷). این پیژوهشگران تأکید می کنند که بر اثر «برنامه ریزی های کشوری روستائیان از خرد و کلان راهی شهرها شده اند» (۲۱:۷). صرف نظر از داورهای شخصی و پیشدآوری های خصوصی این پیژوهشگران، دریافته‌های آنان عناصری هست که با واقعیت مهاجرت های روستائی در ایران انطباق دارد. اولاً شکی نیست که برنامه های مربوط به نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران که از طریق

«برنامه ریزی های کشوری» اجرا نشده، عامل اساسی آن چیزی بوده است که این پیژوهشگران «دهان کشودن بخش خدمات و صنعت برای بلعیدن نیروی کار بخش کشاورزی» (۲۱:۷) می خوانند، و ثانیاً از لحاظ نظری کاملاً منطقی است که وقتی افزایش فشارهای جمعیتی روستاها (در نتیجه تراکم جمعیت و به هم ریختن تعادل های حیاتی) بخشی از جمعیت ساکن روستاها را به بیرون ریخته و به شهرها سرازیر می کند: تأثیر عملکرد این نیروی دافعه عام و کلی باشد. به سخن دیگر، هیچ دلیلی در دست نیست که این نیروی دافعه منحصرأ و فقط از مجرای عواملی از قبیل «بی زمین بودن»، «کم زمین بودن» یا «محدود بودن درآمد و غیره وارد شود.

به این اعتبار، تا وقتی تعادل های حیاتی و معقولیت های اقتصادی کافی (از لحاظ دستمزد انتظاری نیروی کار در واحدهای بهره برداری خانوادگی) در روستاها برقرار نشود، در مقابل عملکرد نیروی دافعه روستاها حاذبه های شهری هم، اقشار اجتماعی ساکن روستاها، کم و بیش به یک اندازه واکنش نشان می دهند.

#### روابط علی مهاجرت های روستائی:

در مطالعه‌نی که در سال ۱۳۵۶ توسط محققان مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز در ۱۶ روستای نمونه در شهرستان شیراز انجام شد، نتایج زیر به دست آمده است که بازگویی برخی از روابط علی مهاجرت های روستائی است:

۱- در زمینه رابطه میزان مهاجرت با وضع طبیعی و شرایط اقلیمی، نتایج بازگویی آن است که تفاوت نسبتاً چشمگیری میان میزان مهاجرت در روستاهای جلگه‌نی و کوهستانی وجود دارد. شدت مهاجرت روستاهای کوهستانی، حدود ۲ برابر روستاهای جلگه‌نی بوده است و این در شرایطی است که دهات کوهستانی از نظر راه و ارتباطات نسبت به دهات جلگه‌نی شرایط نامطلوب تری داشته و میزان دسترسی آنان به شهر کم تر بوده است. (۱۳:۴).

۲- در زمینه قابلیت مهاجرپذیری روستاهای مهاجرفرست، نتایج مطالعه بازگویی آن است که یک روستا، به همان دلیل که زادگان خود را از خود می راند، قادر به پذیرش زادگان اماکن دیگر نیست» (۱۶:۴). وانگهی این مطالعه نشان می دهد که در دهاتی که از مهاجرت حقیقی برخوردارند نسبت ساکنان غیربومی به کل جمعیت ده بیش از سایر روستاهاست (۲۲۰:۴) این نتایج به یک معنای تواند رابطه میان تراکم زیستی جمعیتی در مناطق روستائی و میزان مهاجر فرستی روستاها را نشان دهد. چرا که روستاهائی که مهاجرت شدید دارند عملاً قادر به جذب جمعیت غیربومی نیستند و این به معنی محدودیت امکانات زیستی در چنین روستاهائی است اما در مقابل روستاهای دارای مهاجرفرستی خفیف قادر به جذب جمعیت غیربومی (مهاجرپذیری) نیز هستند که می تواند ناشی از وجود امکانات زیستی بالنسبه بیشتر در چنین روستاهائی باشد.

۳- در زمینه رابطه میان شدت مهاجرت و وجود موسسات رفاهی، اجتماعی و آموزشی، نتایج مطالعه بازگویی آن است که شدت مهاجرت در دهات دارای تاسیسات و سازمان های بهداشتی و رفاهی، اجتماعی و اداری و اقتصادی و آموزشی خفیف و متوسط، و در مقابل در دهات فاقد این امکانات شدید بوده است. (۱۹:۴).

۴- بنا به نتایج مطالعه، میان نوع راه و سهولت دسترسی به شهر، با میزان مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان سهولت دسترسی به شهر در نتیجه بهبود وضع راه و وجود سرویس های مرتب رفت و آمد به شهر، میزان مهاجرت کاهش می یابد. بنا به تحلیل پیژوهشگران مطالعه مزبور، این وضع بازگویی آن است که مهاجرت از روستا بیش از آن که حاصل عملکرد حاذبه های شهری باشد متأثر از عوامل دافعه روستاهاست. (۱۹:۴)

۵- در زمینه رابطه سن و مهاجرت نتایج مطالعه بازگویی آن است که بیش از ۷۰ درصد جمعیت مهاجر را گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل می دهد. به این اعتبار، مهاجرت روستائی فرایندی است «چون گزین» (۲۵:۴).

۶- مطالعه بازگویی آن است که خوش نشینان «مستعدترین گروه» از لحاظ تصمیم گیری و اقدام به مهاجرت اند. بنا به نتایج پرسشنامه ها ۸۸ درصد مهاجران از گروه خوش نشینان و ۶ درصد زارع بوده‌اند. مابقی مهاجران رامحصلان یا خانه دارها (زنان) تشکیل دادند. (۲۸:۴). با توجه به افزایش مداوم و تشدید پیوسته نسبت خوش نشینی در دهات، هم در روند افزایش افقی (خوش نشینان سابق و فرزندانشان) و هم در روند افزایش عمودی (فرزندان صاحبان نسق)، تصور تشدید میزان مهاجرفرستی روستاها بسیار واقعی می نماید.

۷- نتایج مطالعه در زمینه رابطه مهاجرت و تأهل نشان می دهد که مهاجرت فرایندی است «مجردگزین». یعنی نسبت تأهل در بین مهاجران کم تر از همین نسبت در جامعه روستائی مهاجرفرست است (۳۱:۶).

۸- بنا به این مطالعه حدود ۵۷ درصد مهاجران روستائی در جست و جوی کار، حدود ۱۶ درصد به منظور تحصیل، ۹ درصد برای انجام دوره سرپازی (جمعا ۲۵ درصد به منظور ادامه تحصیل و طی دوره سرپازی) (۱۵) و حدود ۱۶ درصد نیز به دلیل ازدواج به شهرها روی آورده‌اند (۳۳:۴).

۹- نتایج مطالعه بازگویی آن است که ۹۷ درصد جمعیت مهاجر طی ۵ سال قبل از مطالعه (از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶) مهاجرت کرده بودند. میانگین مدت مهاجرت در کل جامعه مورد بررسی ۲/۴ سال است (۳۶:۴). به این اعتبار تشدید پویش مهاجرت روستائی، به رغم سابقه گهن لااقل صدساله آن، مربوط به سال های دهه ۱۳۵۰ است. و این بازگویی رابطه مستقیم از یک سو میان شدت مهاجرت روستائی با تحول ساختار اقتصادی جامعه و از سوی دیگر با افزایش سریع و شدید جمعیت و در نتیجه به هم خوردن تراکم حیاتی روستاهاست.

۱۰- بنا به نتایج مطالعه، مهاجرت های دائم حتی کم تر از یک چهارم کل انواع مهاجرت های روستائی بوده است. به عبارت دیگر ۳۹ درصد مهاجرت ها را مهاجرت موقت ۳۷ درصد را مهاجرت فصلی (بوره‌نی) و فقط حدود ۲۴ درصد را مهاجرت دائم تشکیل می دهد. (۳۷:۴). وانگهی بنابه نتایج مطالعه، بیش از ۲۹ درصد مهاجرت روستائیان به صورت فردی و فقط کم تر از ۱۰ آن (۲۱ درصد) به صورت خانوادگی بوده است. (۳۹:۴).

به این اعتبار می توان گفت که بخش مهمی از مهاجرت های روستائی غیردائمی (فصلی و موقت) و نیز فردی است.

مطالعه فوق در رابطه قانونمند بسیار مهم



و اساسی در زمینه مهاجرت روستایی به دست می دهد. منتها این روابط در گزارش مذکور آن چنان که باید مورد توجه تحلیل گران قرار نگرفته است. این دو رابطه یکی «رابطه میان میزان مهاجرت روستایی و ترکیب کشت» (از لحاظ الگوی تجاری یا خورد معیشتی) و دیگری «رابطه میان میزان مهاجرت روستایی و تراکم حیاتی» (میزان زمین قابل کشت یا زیر کشت برای هر نفر) است:

۱۱- رابطه ترکیب کشت و مهاجرت. در مطالعه مذکور روستاهای مورد بررسی از لحاظ میزان مهاجر فرستی به سه گروه خفیف، متوسط و شدید تقسیم شده است. نتایج مطالعه بازگویی آن است که دهاتی که از لحاظ مهاجر فرستی در گروه خفیف قرار دارند (یعنی در مقایسه با سایر دهات کم ترین میزان مهاجرت را دارند) از لحاظ ترکیب کشت عموماً از الگوی کشت تجاری تبعیت می کنند. به عبارت دیگر، اکثر محصولات زیر کشت این قبیل دهات را محصولات تجاری از قبیل صیفی جات و محصولات صنعتی از قبیل چغندر قند تشکیل می داده است (۵۹:۴). این نتیجه به روشنی رابطه میان مهاجر فرستی دهات و میزان بیکاری پنهان روستائیان و در نتیجه وجود نیروی مازاد نسبی در بخش کشاورزی را بیان می کند.

۱۲- رابطه میان مهاجرت و تراکم حیاتی. از دیگر دستاوردهای قابل تامل این مطالعه وجود رابطه مستقیم میان تراکم حیاتی (میزان زمین قابل کشت یا زیر کشت برای هر نفر) و میزان مهاجرت است. «از تقسیم تعداد جمعیت بر مقدار زمین زیر کشت برای روستاهای شدید، متوسط و خفیف به ترتیب ارقام ۴/۳۳، ۲/۲۸ و ۳/۲ به دست می آید. همین روند برای تراکم حیاتی ناخالص (میانگین تعداد جمعیت بر کل زمین قابل کشت اعم از زیر کشت و آیش) نیز صادق است. (۶۶:۴). به عبارت دیگر از هر هکتار زمین زیر کشت در روستاهای پامهاجر فرستی شدید ۴/۳ نفر و در روستاهای پامهاجر فرستی خفیف فقط ۳/۲ نفر باید امرار معاش کنند. این وضع بازگویی آن است که امکانات حیاتی (حداقل عوامل خاک و آب) برای جمعیت ساکن در روستاهای دارای مهاجر فرستی خفیف فراهم تر از روستاهای دارای مهاجر فرستی شدید است. به این اعتبار است که می توان مهاجرت را یک مکانیسم متعادل کننده در زمینه ایجاد تعادل میان جمعیت و میزان امکان حیاتی دانست.

رابطه میان مهاجرت روستائیان و اندازه واحدهای بهره برداری.

بنابه نتایج مطالعه‌ی در باب اقتصاد تولید کشاورزی در دهستان سرخه از شهرستان سمنان، میزان مهاجرت روستائیان کشاورز با اندازه واحدهای بهره برداری آنان رابطه دارد. بنابه این بررسی، میزان مهاجرت روستائیان شاغل در واحدهای بهره برداری ۳/۱ تا ۴ هکتار (که بیش از دیگر واحدهای بهره برداری ساخت دهقانی خود را حفظ کرده‌اند)، از سایر گروه‌ها کم تر بوده است. در مقابل واحدهای بهره برداری با زمین زیر کشت کم تر از ۳ هکتار عملاً مهاجرت (فصلی) بیش از دیگر واحدهای بهره برداری بوده است. چرا که این گونه واحدها عملاً نمی توانند مستقلاً و تنها از منابع درآمد کشاورزی به بقای خود ادامه دهند. (۱۶)

روند مطالعات مربوط به مهاجرت روستائیان از گزارش «بررسی نتایج اصلاحات ارضی» (بنال)

### \* در دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۳ تأکید

اصلی برنامه عمرانی بر بخش صنعت و خدمات بود و از مجموع اعتبارات عمرانی دولت در طی برنامه پنجم ۴۱ درصد به بخش صنعت و ۲۲/۸ درصد به بخش ساختمان تخصیص یافت. به این ترتیب حدود ۶۴ درصد از اعتبارات عمرانی برنامه پنجم صرف امور شد که تحقق آن مساعزم تشدید حرکات انتقالی جمعیت از روستا به شهر بود.

### \* سیاست اسکان اجباری

عشایر که از سال ۱۳۰۸ اجرا شد، اثرات مهمی بر چگونگی استقرار جمعیت در روستاها باقی گذاشت. \* در فاصله یک قرن از ۱۲۶۰ تا ۱۳۶۱ جمعیت روستایی کشور ۳/۳ برابر و جمعیت شهرنشین ۱۱ برابر شده است.

بازگرداند. (چرا که زمین های زراعتی بیش از حد کوچک است و این عاملی است که نیروی کار را به خارج از محدوده تولید خانوادگی می راند... در شرایط کنونی... این مزارع (کوچک) قادر به جذب نیروی کار بیش از مقداری که هم اکنون جذب می کنند، نیستند. (۳۰:۵ تا ۴۰:۵).

ادامه دارد

#### زیر نویسها

۱- در واقع شکی نیست که رقم مهاجرین جنگی قبلاً از طریق احتساب رشد سالانه در کل جمعیت شهری ۱۸/۹۱ میلیون نفر محاسبه شده است.

۲- تخمین مربوط به نرخ مهاجرت از طریق رابطه

به دست آمده است. این فرمول توسط ف. ر. دانا اقتصاددان ایرانی طرح و در دانشگاه لندن در بررسی مهاجرت روستا به شهر در کشور های عقب مانده به کار گرفته شد.

در رابطه فوق  $m$  نرخ مهاجرت،  $M$  تعداد مهاجرین هر سال،  $N_t - n$  جمعیت واقعی روستایی در سال  $n$  و  $N_t$  جمعیت واقعی روستایی در سال  $t$ ، و  $n$  تعداد سالهای مورد نظر و نرخ طبیعی افزایش جمعیت می باشد.

$N_t = N_t - n^{m \times t}$  نشان دهنده جمعیت روستایی در سال  $t$  است به شرط آنکه مهاجرت به وقوع نرسد است. در این زمینه نک به: امیربالیس و فروپاشی کشاورزی، تهران، ۱۳۵۸، صفحه ۶۶

در اینجا روش محاسبه چنین است: نخست نرخ رشد سالانه جمعیت کل کشور در یک دوره زمانی محاسبه شده است. سپس جمعیت مورد انتظار شهر و روستا بر اساس نرخ رشد به دست آمده است. (نرخ رشد شهر و روستای یکسان فرض شده است) در مرحله بعد اختلاف میان جمعیت مورد انتظار و جمعیت واقعی روستایی و شهری در دوره زمانی مورد نظر محاسبه شده و بر این اساس تعداد مهاجرین روستایی در هر سال به دست آمده است. و سرانجام با تقسیم تعداد مهاجرین به کل جمعیت (شهر یا روستا) نرخ مهاجرت به دست داده شده است.

۳- نفوذ آلمان در ایران و توسعه تجارت با آن کشور از سالهای انقلاب مشروطیت شروع شد. در سال ۱۹۰۶ خط سیر دریایی از بندر هامبورگ به خلیج فارس ایجاد شد و آلمانی ها امتیازات مختلفی در زمینه تأسیس بانک، اعطای قرضه به ایران و تأسیس مدرسه آلمان در ایران به دست آوردند و در بسیاری از شهر های ایران شعب تجارتخانه ها و کمپانی های آلمانی دایر شد.

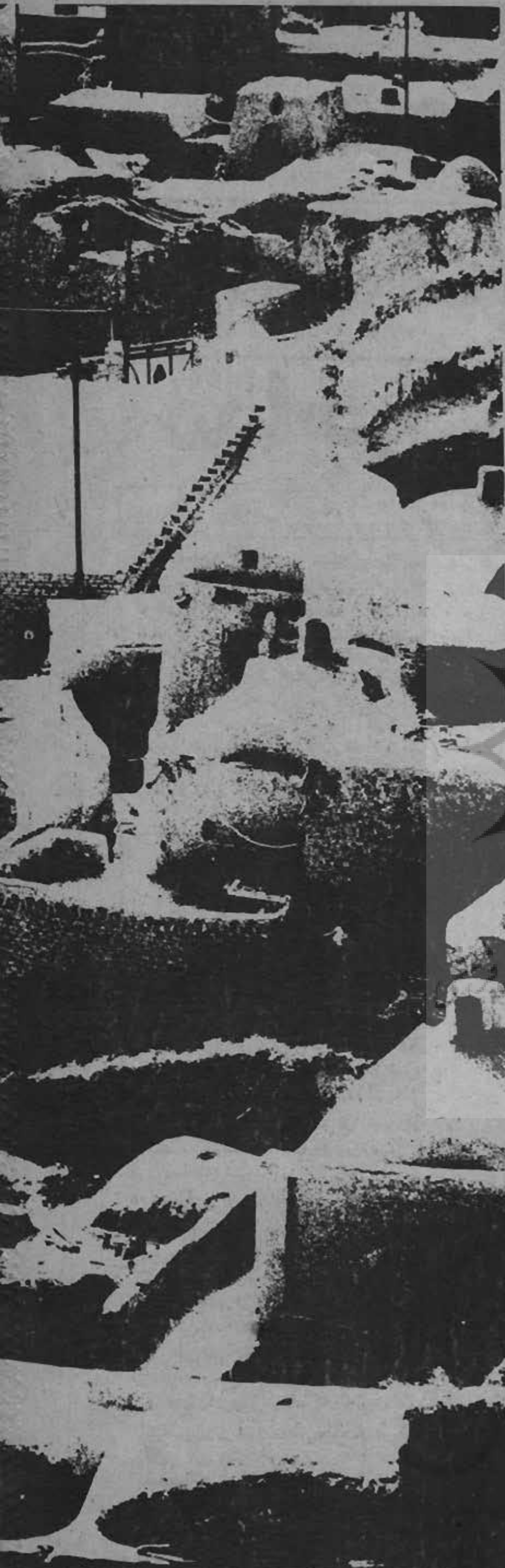
در سالهای بعد از جنگ جهانی اول اشغال نظامی ایران توسط قوای انگلیس، روسیه تزاری و ترکیه عثمانی موجب افزایش محبوبیت آلمان در افکار عمومی ایرانیان به عنوان یک دولت اروپایی بشر دوست و ناچسب شد. این امر خود موجبات افزایش نفوذ سیاسی آلمان در ایران و وقایع جنگ جهانی دوم و اشغال مجدد ایران توسط متفقین را فراهم ساخت.

۲- در این دوره ۸ کارخانه قند، یک مؤسسه بزرگ دخانیات (در تهران) یک رشته کارخانه های چرم سازی، کبریت سازی، صابون سازی، روغن کشی، سیلو، کارخانه های

تا بررسی «علل مهاجرت روستائیان به شهر شیراز» (سال ۱۳۵۶) بازگویی یک روند تکاملی در زمینه روش و چهار چوب مطالعه، هم در بعد نظری (تئوریک) و هم در بعد تجربی (امپیریک) است. در اکثر این مطالعات مهاجرت بمشابه یک مساله غامض اجتماعی و اقتصادی نموده شده و عمداً یا سهواً به تأثیرات ساختاری آن در شرایط تحول ساختار اقتصادی و اجتماعی اشاره‌ی نرفته است. و نیز حتی به محسّنات مترتب بر آن لااقل از دیدگاه روستائیان رها شده از روستاها توجهی نشده است. وانگهی در این مطالعات غالباً تفکیک لازم و بالنسبه‌ی میان انواع مهاجرت ها به ویژه نوع فصلی و دائم قائل نشده‌اند. شکی نیست که افزایش میزان مهاجرت های فصلی نه فقط هیچگونه تأثیر نامطلوبی بر تولید کشاورزی ندارد بلکه با افزایش سطح زندگی روستائیان در نتیجه افزایش درآمد موجبات تحول و ترقی ساختار تولید کشاورزی را نیز فراهم خواهد ساخت.

بنا به یک گزارش در باب «مهاجرت فصلی روستائیان و تأثیر آن بر تولید زراعی منطقه دشت اصفهان» در سال ۱۳۵۷، این ادعا که «مهاجرت فصلی روستائیان از عوامل مهم انهدام کشاورزی» قلمداد می شود، در منطقه مورد مطالعه (دشت اصفهان) به هیچ وجه صادق نبوده است. بنا به این گزارش «تولید کشاورزی در این منطقه با حداکثر ظرفیت خود صورت می پذیرد... در منطقه مورد مطالعه متروک گذاردن زمین به هیچ وجه دیده نشد. سنت آیش گذاشتن زمین هم بعد از اصلاحات ارضی به تدریج منسوخ شده است. در ۲۰ خانوار مورد مطالعه حتی یک مورد هم دیده نشد که خانوار بخشی از زمین خود را به آیش گذاشته باشد. در بعضی از موارد، زارعین دوبار در سال روی یک قطعه زمین مشخص کشت می کنند... و اگذاری زمین به غیر نیز در این منطقه رواج ندارد. عمدتاً واحدهای بهره برداری زراعی همان واحدهای ملکی هستند. بنابه این گزارش «مهاجرت موقت (فصلی)» گسترده‌ی که در روستاهای مورد مطالعه دیده می شود، عمدتاً نیروی کار اضافی روستا را جذب می کند و در این منطقه خاص صدمه‌ی به کشاورزی نزده است. تهیه کنندگان گزارش فوق باتوجه به نتایج حاصل از مطالعات میدانی (در منطقه دشت اصفهان) نتیجه گیری با ارزشی به دست می دهند. به نظر آنان «در این منطقه از اصفهان و در مناطق دیگری که شرایط مشابه دارند، با اتخاذ تدابیری نظیر افزایش بهای محصولات کشاورزی نمی توان نیروی کار مهاجر را به روستا و به تولید خانوادگی





تحولات اقتصادی و اجتماعی... پنجاه ساله. تهران، سال ۱۳۵۲.

۲- ف. رئیس دانا، امپریالیسم و فروپاشی کشاورزی - بحث تئوریک و بررسی نمونه ایران. انتشارات مازیار، تهران، سال ۱۳۵۸.

۳- وزارت کشور. مشروح آمار به دست آمده از سرشماری عمومی کشور ایران و در آبان ماه ۳۵. کل کشور. نشریه آمار، تهران.

۴- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. آبان ماه ۳۵. کل کشور، نشریه شماره ۱۸۶. تهران، سال انتشار ۱۳۵۹.

۵- ناصر پاکدامن. آمارنامه اقتصاد ایران در آغاز جنگ جهانی دوم (جلد اول). دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

۶- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۶۱. تهران سال ۱۳۶۲.

۷- لمبتون، مالک وزارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۶۲.

۸- ز. عبدالله اف. «طبقات بورژوا و کارگر در ایران در اوائل قرن بیستم». ترجمه حسین ادیبی. نامه علوم اجتماعی دوره ۲ شماره ۳. دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۶.

۹- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران. پیش بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران تا سال ۱۳۷۰. تهران اردیبهشت ۱۳۵۲.

۱۰- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. حساب های ملی ایران (۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶). تهران، سال ۱۳۶۰.

۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۶۱. تهران، آبان ماه ۱۳۶۲.

۱۲- م. س. ایوانف. تاریخ نوین ایران. ۱۳- سازمان برنامه، مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور سال ۱۳۳۶.

۱۴- بانک مرکزی ایران. گزارش سالانه بانک مرکزی، تهران، سال ۱۳۵۱.

۱۵- بانک مرکزی ایران. گزارش اقتصادی بانک مرکزی ایران، تهران، سال ۱۳۵۶.

۱۶- «آمارهای روستایی و کشاورزی ایران». مجموعه کتاب آگاه. مسائل اراضی و دهقانی. انتشارات آگاه تهران، ۱۳۶۱.

۱۷- بانک مرکزی ایران. گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۵۹. تهران.

۱- بررسی نتایج اصلاحات ارضی. دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش تحقیقات روستایی. موضوع طرح شماره ۱۸۰۲ و وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، تهران.

۲- محمدرضا حسینی کازرونی و هوشنگ قلعه کلاهی. حاشیه نشینان شهری - گزارش وضع موجود موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران. اسفندماه ۱۳۵۲.

۳- سازمان برنامه و بودجه، دفتر مطالعات ناحیه‌نی. برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری. تهران، سال ۱۳۵۵.

۴- دانشگاه شیراز، مرکز جمعیت شناسی. علل و عواقب مهاجرت روستاییان به شهرها - شهرستان شیراز، شیراز، تیرماه ۱۳۵۷.

۵- طاهره رستمی و مینو الوندی. مهاجرت فصلی روستائیان و تاثیر آن بر تولید زراعی منطقه دشت اصفهان. مرکز تحقیقات روستایی، وزارت کشاورزی و عمران روستایی، تهران مهرماه ۱۳۵۹.

۶- سازمان برنامه و بودجه، آمایش سرزمین، گروه مطالعات روستایی. توسعه روستایی - چکیده مطالعات و برنامه ریزی در مسووده های برگزیده‌نی از ایران، تهران سال ۱۳۵۹.

۷- دانشگاه بوعلی. پژوهشی درباره علل مهاجرت روستائیان به شهر در استان همدان اسفندماه ۱۳۵۵.

تهیه آرد، کسرو سازی، پنبه پاک کنی، برنج کوبی و چند مؤسسه شیمیایی دایر شد. در نواحی اطراف تهران چند کارخانه اسلحه سازی، سیمان و گلسیرین احداث شد و استخراج معادن در نواحی شمالی کشور رونق گرفت. (نک به: ایوانف، تاریخ نوین ایران، صفحه ۱۷۷)

۶- «اصل چهار ترومن» که در ایران به «اصل چهار» معروف است. عنوان برنامه ترومن رئیس جمهور آمریکا برای به اصطلاح کمک به کشورهای عقب مانده بود. هدف از تدوین و اجرای این اصل بسط نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا در کشورهای مختلف جهان بود.

۷- شرکت سهامی زراعی درگزین (همدان)، ازکیا - مصطفی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، شهریور ۱۳۵۰، صفحه ۱۲

۸- نک به: شرکت سهامی زراعی قصر شیرین، کشاورز - هوشنگ و صفی نژاد - جواد و حاجی - ویدا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - شهریور ۱۳۵۰، صفحه ۸

۹- صنعت مشتمل است بر نفت، گاز، برق و معدن

۱۰ - Hooglund Eric, Rural youth, MERIP REPORTS, No 87/May 80, Iran's Revolution: The Rural Dimension.

۱۱- روش برآورد این رقم عبارت است از: تفاضل نقاط شهری سال ۱۳۶۱ به سال ۱۳۳۵. به این ترتیب ۲۲۵ شهر جدید در فاصله مذکور ایجاد شده است. اگر متوسط جمعیت همه نقاط مزبور حدود ۵ هزار نفر (حداقل لازم برای شهر بودن بنا به تعریف مرکز آمار ایران) محاسبه کنیم، کل جمعیت شهر های جدید حدود ۱/۲ میلیون نفر خواهد بود.

۱۲- گزارش مزبور تحت عنوان «وضع موجود حاشیه نشینان شهری» حاصل جمع بندی گزارشهای مفصل بررسی حاشیه نشینان تهران، بندر عباس، بوشهر، اهواز، باختران (کرمانشاه) و همدان است.

۱۳- نک به: پژوهشی درباره علل مهاجرت روستائیان به شهر در استان همدان، دانشگاه بوعلی، اسفند ماه ۱۳۵۵، صفحه ۲۱ و نیز صفحه ۲۵

۱۴- نک به: مهاجرت فصلی روستائیان و تاثیر آن بر تولید زراعی منطقه دشت اصفهان، رستمی - طاهره و الوندی - مینو، مرکز تحقیقات روستایی، مهر ماه ۱۳۵۹. روستاهای مورد بررسی در این مطالعه عبارتند از: هفت شویه با ۸۱ خانوار - محمد با ۱۰۲ خانوار و هلازته با ۲۷ خانوار. به ترتیب با فواصل ۱۵، ۳۰ و ۵۰ کیلومتری از اصفهان و ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری از مجتمع ذوب آهن.

۱۵- بنا به تجارب در حد بسیار کمی از این افراد به روستاها بازمی گردند. ظاهراً هر دو مجرای خروجی فوق آمادگی روستائیان جوان را برای زندگی در شهر بیشتر کرده و بر فاصله فرهنگی آنان با جامعه روستایی به صورتی که قادر به تحمل یکدیگر نباشند می افزاید.

۱۶- نک به: گزارش دهستان سرخه، مؤسسه پژوهشهای دهقانی و روستایی ایران، سال ۱۳۵۷، صفحه ۹۲

**منابع و مآخذ بخش «الف»**

۱- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵ - کل کشور، نشریه شماره ۱۸۶. تهران، سال انتشار ۱۳۵۹

۲- حبیب الله پیمان. مهاجرت های خارجی ایران. دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش جمعیت شناسی، تهران، مرداد ماه ۱۳۴۹.

۳- وزارت کار و امور اجتماعی، اداره کل آمار و نیروی انسانی. بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال مناطق شهری. کل کشور، نشریه شماره ۱. تهران مرداد ماه ۱۳۶۲

۴- محمد علیزاده و کاظم کازرونی. مهاجرت و شهرنشینی در ایران. سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، تهران، اردیبهشت ۱۳۶۱.

۵- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۶۱. تهران سال ۱۳۶۲.

۶- سازمان برنامه و بودجه، مرکز پژوهش خلیج فارس و دریای عمان. دیار حبیب و بلاد غریب. جلد اول. تهران، سال ۱۳۵۵.

**منابع و مآخذ بخش «ب»**

۱- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران. بیان آماری